

تألیفات « ملاحقات مناسك حج (جمع آوری شده طبق فتاوی معظم له)

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطيبين الطاهرين الغر الميامين. دفتر حاضر، دربر دارنده گزیده ای از استفتاتی است که طی سه سال گذشته از حضرت آیت الله العظمی سیستانی - دام ظلّه العالی - شده است. از میان استفتات فراوان و متنوعی که به دفتر معظم له رسیده بود، آن چه را که نفعش عام تر و مورد ابتلايش بیشتر و در مناسك به صراحت ذکر نشده بود، برگزیدیم و با حذف پاره ای جزئیات بی ارتباط با اصل سؤال - بی آن که به اصل و جوهر سؤالات لطمه بزند - آن ها را بازنویسی کردیم و اینک در اختیار خوانندگان قرار می دهیم. امید که خداوند متعال این کار را خالصانه از ما بپذیرد و آن را ویژه خود گرداند و بدان برادران ایمانی ما را سود رساند. انه نعم المولى و نعم الوكيل.

دفتر حضرت آیت الله سیستانی (مد ظلّه)

استطاعت

سؤال ۱ : هرگاه مکلف عمره تمتع را به نیابت از دیگری انجام دهد، وپیش از انجام حج متوجه شود که هنگام بیرون آمدن از شهرش مستطیع بوده است، آیا بر او واجب است که حج نیابتی را به پایان برساند و یا آن که برای خود حج به جا آورد؟ و اگر واجب است که برای خود حج به جا آورد، برای عمره تمتع از کجا مُحرم شود؟ و اگر پس از انجام دادن عمره نیابتی و پیش از حج مستطیع شود، چه حکمی دارد؟

جواب : در صورت اول، اگر به خود مطمئن باشد که سال آینده می تواند برای خود حج به جا آورد، حج نیابتی را به پایان برساند وگرنه آن را رها کند و به یکی از میقات ها برود و برای خودش جهت حج مُحرم شود. ودر صورت دوم با استطاعتی که تازه به دست آورده حج بر او واجب نمی شود گرچه با غیر مال الاجاره باشد . سؤال ۲ : اگر مستطیع در سالی که استطاعت مالی دارد، اجازه سفر به سرزمین مقدس برای انجام حج نیابد، آیا بر او لازم است که استطاعت مالی خود را به مقدار توانش حفظ کند تا آن که در سال آینده حج را به جا آورد؟

جواب : اگر این نکته را احراز کند که دیگر شرط های استطاعت در سال آینده فراهم خواهد بود، بر او لازم است استطاعت مالی خود را حفظ کند وگرنه بنا بر اظهر واجب نیست.

سؤال ۳ : شخصی برای حج مستطیع می شود. اما موسم حج با امتحانات دانشگاهی او برخورد می کند، به گونه ای که رفتنش به حج موجب از دست دادن امتحانات و عقب افتادن يك سال تحصیلی می شود. در این حال آیا حج بر او واجب است؟

جواب : اگر از دست دادن امتحانات و عقب افتادن يك سال برای او چنان سخت است که دچار حرج شدید می شود، حج بر او واجب نیست.

سؤال ۴ : آیا برای شوهر جایز است که به زن هاشمی (سید) خود هزینه حج را از سهم سادات بپردازد؟ آیا برای دیگری نیز این کار جایز است؟

جواب : نمی تواند چنین کند، مگر آن که انجام حج از مؤونه آن زن باشد، مانند آن که حج بر ذمه اش آمده باشد و هزینه انجامش را نداشته باشد. در این صورت شوهر می تواند هزینه اش را از سهم سادات بپردازد، همچنان که

برای دیگری نیز این کار جایز است.

سؤال ۵ : شخصی با تقلید از مجتهدی که «ضرورت رجوع به کفایت» را از شرط های تحقق استطاعت نمی داند، به حج رفت و اینک به شما رجوع کرده است. فتوای حضرت عالی درباره این حج چیست؟
جواب : مُجْزَى از حجة الاسلام است.

سؤال ۶ : شخصی در سازمان حج و زیارت ثبت نام می کند و مبلغی را به حساب آن واریز می کند. سپس به دلیل نیازی که به آن مبلغ پیدا می کند، آن را بازپس می گیرد. آیا با این کار حج بر او مستقر شده است؟
جواب : اگر به آن مبلغ برای هزینه های لازم خودش احتیاج داشته باشد و جز آن اموال نقدی و یا غیر آن که موجب استطاعت مالی اش شود نداشته باشد، حج بر ذمه اش مستقر نمی شود.

سؤال ۷ : اگر شخصی مالی که برای حَجَّش کافی باشد، به دست آورد، لیکن بیمار باشد، آیا بر او واجب است که خود را درمان کند تا بتواند خودش حج را به جای آورد؟

جواب : اگر در عرف اکنون مستطیع شمرده نشود، بر او واجب نیست که با درمان خود را مستطیع کند.
سؤال ۸ : اگر شخصی مبلغی قرض کند و یا آن چه را که بدان نیازمند است بفروشد و با آن حج کند، آیا این حج از حجة الاسلام (حج واجب) مُجْزَى است ؟

جواب : در صورت قرض کردن هزینه حج، مُجْزَى نیست. اما اگر هزینه آن با فروش لوازم مورد نیازش که از ضروریات معاشش نبوده باشد، به دست آمده باشد، مُجْزَى است.

سؤال ۹ : شخصی هزینه حج دارد و به مقدار ما یملک خود بدهی دارد. اما این بدی به صورت وام بلندمدت مثلاً چهل ساله است که طی این مدت اقساطش را می پردازد. آیا چنین کسی مستطیع به شمار می رود و حج بر او واجب است؟

جواب : نه، مگر آن که اقساط سی ساله اول، کم و غیرقابل توجه باشد.

سؤال ۱۰ : شخص مکلفی هزینه حج را به سازمان حج و زیارت پرداخت می کند و سال ها منتظر نوبت خود می ماند و چون نوبتش رسید، بیمار می شود و بر اثر آن می میرد. در حال بیماری به یکی از پسرانش وصیت می کند تا به نیابت از او حج کند. اما این پسر خودش استطاعت مالی دارد، لیکن چون هنوز نوبتش نرسیده است، به او اجازه رفتن به حج داده نمی شود. حال تکلیف او چیست؟ آیا به وصیت پدر عمل نماید و به نیابت از او حج کند، یا آن که از حق پدرش استفاده نموده برای خودش حج کند؟

جواب : وصیت پدرش را اجرا نماید و به نیابت از او حج کند، چون راه بر او بسته است و از این نظر استطاعت رفتن ندارد، تا برای خودش حج کند.

سؤال ۱۱ : اگر مکلف استطاعت مالی و جسمی برای ادای حج داشته باشد، اما سازمان حج و زیارت به دلیل آن که نوبتش هنوز نرسیده است، به او اجازه رفتن ندهد، در این صورت آیا برای او جایز و یا بر او واجب است که برای ادای حج در همان سال یکی از راه های زیر را دنبال کند :

الف : از کسی که آن سال نوبتش فرا رسیده است بخواهد تا با دریافت مبلغی - گرچه سنگین - نوبتش را به او واگذارد و به نفع او کنار رود؟

جواب : اگر پرداخت مبلغ خواسته شده برایش سنگین باشد، بر او واجب نیست که آن را بدهد وگرنه واجب است.
ب : به دروغ یا توریه مدعی داشتن پاره ای شروط شود که به دارنده آن ها بیرون از ضوابط عمومی، به طور استثنایی اجازه خروج برای حج داده می شود.

جواب : اگر سازمان مربوطه عدالت را در فرستادن حُجَّاج رعایت و اجرا می کند، تخلف از قوانین آن به شکل مذکور یا مانند آن جایز نیست.

ج : به دنبال شخصی که نوبتش در این سال رسیده است و خود فوت کرده و یا شخصاً از رفتن ناتوان شده است بگردد و به طور صوری نیابت از او را بپذیرد، اما در حقیقت برای خود حج بگذارد.
جواب : جایز نیست که به این شیوه شخص ناتوان یا ولی مرده را بفریبد.

سؤال ۱۲ : اگر شخصی به اندازه مخارج حج اموالی داشته باشد، لیکن پسرش نیازمند ازدواج باشد، آیا در این حال مستطیع به شمار می رود و حج بر او واجب می گردد یا آن که برایش جایز است که اموالش را برای ازدواج پسرش خرج کند؟

جواب : اگر صرف مال برای حج به دلیل زن ندادن پسرش او را دچار حرج و سختی کند، حج بر او واجب نیست وگرنه واجب است.

سؤال ۱۳ : اگر مکلف در وقت موسم حج استطاعت ادای آن را داشته باشد، آیا پیش از آغاز ماه های حج، به جا آوردن عمره مفرد برایش صحیح است؟

جواب : صحیح است، اما اگر این کارش بعداً به ناتوانی او برای ادای حج بینجامد، برایش جایز نیست.

سؤال ۱۴ : شخصی بی آن که مستطیع باشد از شهر خود راه می افتد. سپس چون به میقات می رسد، در آن جا مستطیع می گردد. آیا این حجش برایش از حجة الاسلام (حج واجب) مجزی است؟

جواب : آری.

سؤال ۱۵ : آیا نداشتن بهای قربانی، مانع از تحقق استطاعت است؟

جواب : مانع از آن نیست، و مکلف می تواند به جای قربانی روزه بگیرد.

سؤال ۱۶ : آیا نداشتن بهای کفاره با علم به حصول موجب آن، مانع از حصول استطاعت است؟

جواب : مانع از آن نیست.

سؤال ۱۷ : اگر زنی توانایی پرداخت هزینه حج را داشته باشد و شوهرش مبلغ بسیاری بدهکار باشد، در این صورت آیا می تواند حج را ترك کند و به شوهرش برای پرداخت بدهکاری اش کمک نماید، یا آن که ناچار است به حج رود؟

جواب : ادای حج بر او واجب است.

سؤال ۱۸ : اگر شخص متمتع پیش از آغاز حج بر اثر مانعی ناگزیر به شهرش بازگردد، آیا در این صورت حج بر او مستقر شده است و ادای آن بر او واجب می شود، گرچه استطاعت مجددی برایش حاصل نشود؟

جواب : حج بر او مستقر نمی شود.

سؤال ۱۹ : اگر شخصی در سال جاری خود را برای حج نیابتی از دیگری اجیر کند. سپس بر اثر ارث یا بخشش و یا مانند آن خودش مستطیع گردد، در این صورت آیا باید حج را برای خودش انجام دهد، یا آن که طبق اجاره قبل از حصول استطاعت عمل کند؟

جواب : اگر اطمینان داشته باشد که در سال بعد می تواند برای خودش حج بگذارد، اجاره صحیح است و به مقتضای آن عمل کند وگرنه باطل است و بر او واجب است که برای خودش حج کند.

سؤال ۲۰ : شخصی هزینه حج را دارد، لیکن به دیگری بدهکار است و طلبکارش به او اجازه داده است که بدهی اش را پنج سال عقب اندازد، تا بتواند حج کند. حال آیا مستطیع به شمار می رود و حج بر او واجب است، یا نه؟

جواب : بنا بر اظهر مستطیع به شمار نمی رود.

سؤال ۲۱ : شخصی کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان برای روزهای بسیاری بر ذمه اش است و نمی تواند برای هر روز دو ماه پیوسته روزه بگیرد و اینک مبلغی نزدش فراهم شده است که نمی تواند هم شصت مسکین را به ازای هر روز، اطعام کند و هم حج بگذارد، حال آیا مستطیع به شمار می رود و حج بر او واجب است، یا آن که مبالغ موجود را برای ادای کفاره ای که بر گردن دارد خرج کند؟

جواب : شرعاً مستطیع به شمار می رود، پس ادای حج بر او واجب است.

سؤال ۲۲ : زنی برای حج مستطیع می شود و شوهرش در ماه های حج فوت می کند. حال آیا بر او واجب است که در حال عده حج حرکت کند، یا نه؟

جواب : آری، و باید آداب دوران عده وفات را در سفرش مراعات کند.

سؤال ۲۳ : شخصی به عنوان کارمند در مدینه منوره به کارهای اداری و ارائه خدمات به حجاج مشغول است و

مقررات سازمان های دولتی اقتضا می کند که پیش از آغاز موسم حج به شهرش بازگردد. لیکن می تواند با نگرفتن دستمزدش در قبال خدماتی که ارائه می دهد اجازه ماندن را به دست آورد. حال آیا بر او واجب است که چنین کند؟ و آیا حجش، حجة الاسلام (حج واجب) به شمار می رود؟
 جواب : اگر نگرفتن دستمزدی که استحقاقش را دارد برایش سنگین نیست و با این حال شروط دیگر وجوب حج مانند استطاعت مالی و رجوع به کفایت را دارد، حج بر او واجب است و حجش، حجة الاسلام به شمار می رود.

دادن خمس مالی که با آن حج می کنند

سؤال ۲۴ : اگر اموال شخصی مشمول خمس باشد، آیا تنها پرداخت خمس مالی که می خواهد با آن حج کند با این شرط که خمس باقی اموالش را پس از حج بپردازد، برای صحت حج او مجزی است؟
 جواب : تأخیر در جدا کردن خمس و نپرداختن آن جایز نیست بلکه غضب و حرام است و اگر خمس پاره ای از اموال خود را بپردازد و با آن حج کند، حجش صحیح است. لیکن به دلیل تأخیر در پرداختن خمس بقیه اموال خود، گناهکار است.

سؤال ۲۵ : اگر مکلف نداند که لباس احرام خود را از سودی که بدان خمس تعلق گرفته، خریده است و یا از سود همان سال و یا از آن چه اصلاً خمس بدان تعلق نگرفته است، تکلیفش چیست؟
 جواب : مُحرم شدن در لباس مذکور مانعی ندارد و احوط آن است که به حاکم شرعی مراجعه و با او به نسبت احتمال وجوب خمس، مصالحه کند.

سؤال ۲۶ : آیا ادای حج مستحبی از مؤونه استثنای شده از خمس به شمار می رود؟ یا آن که ناچار باید خمس هزینه آن را در صورتی که از سودهایی باشد که خمس بدان تعلق می گیرد پرداخت کرد؟
 جواب : پرداخت خمس آن، واجب نیست.

وصیت به حج

سؤال ۲۷ : آیا شخص می تواند به ناقص العضوی وصیت کند که حجة الاسلام یا غیر آن را به نیابت از او به جای آورد، در صورتی که نقص عضو بر نحوه طبیعی انجام اعمال اثر می گذارد؟
 جواب : اگر وصیت کننده از نقص عضو نایب بی خبر بود، یا آن که این نقص بعد از وصیت پدید آمد و وصیت کننده بی آن که از آن باخبر شود، فوت کرد و یا آن که پس از مرگ وصیت کننده، نقص عضو پیدا شد، بعید نیست که وصیت باطل باشد. اما اگر وصیت کننده با علم به نقص عضو وصیت کرد و یا آن که پس از وصیت این نقص پدیدار شد ولی وصیت کننده با آگاهی از آن از وصیت خود عدول نکرد، ظاهراً اجرای وصیت از ثلث میت واجب است. البته اگر مورد وصیت حجة الاسلام بوده باشد، احتیاط واجب آن است که هم وصیت را اجرا کنند و هم کسی را که توانایی ادای عمل اختیاری داشته باشد، از اصل ترکه میت برای حج نایب بگیرند.

سؤال ۲۸ : شخصی وصیت می کند که یکی از املاک معین شده اش را پس از مرگش بفروشند و با پول آن به نیابت از او حج کنند و چون آن را می فروشند، می بینند که پولش بسیار بیشتر از هزینه حج است. حال با این پول مازاد چه کنند؟

جواب : اگر از وصیت تعدد مطلوب فهمیده شود، آن را در یکی از راه های خیر که به غرض وصیت کننده نزدیک تر

باشد، صرف کنند وگرنه جزو ارث وارثان می شود.

سؤال ۲۹ : شخصی از ثلث ماترك خود، به حج وصیت می کند و شخصی را برای ادای آن تعیین می نماید. لیکن ورثه اش کسی دیگر را برای نیابت از او برمی گیرند، حال حکم این حج چیست و اجرت آن به عهده کیست؟
جواب : حجش صحیح است، لیکن ورثه ضامن اجرت آن هستند پس اگر مورد وصیت حجة الاسلام باشد، ثلث را در راهی که به نظر وصیت کننده نزدیک تر باشد، صرف کنند و اگر مورد وصیت حج مستحبی باشد، واجب است که وصیت را اجرا کنند.

سؤال ۳۰ : اگر شخصی وصیت کرد که به نیابت از او حج کنند، لیکن معلوم نشد که مقصودش حج بلدی است یا حج میقاتی یا اعم از این دو، در این صورت وظیفه شخص وصی چیست؟

جواب : حج میقاتی از او کفایت می کند، مگر آن که فرینه روشنی بر اراده حج بلدی، وجود داشته باشد.
سؤال ۳۱ : اگر شخصی که نمی تواند مباشرة حج گزارد، وصیت کند که پس از فوتش به نیابت از او حج کنند. آن گاه پس از وصیت، در همان حال حیاتش کسی را به نیابت از خود به حج بفرستد، آیا عمل به وصیت پیش از این حج نیابتی واجب است و یا آن که لغو شده به شمار می رود؟
جواب : اگر معلوم شود که حج مورد وصیت، همان است که در زندگیش برای ادایش نایب گرفته است، به گونه ای که نایب گرفتن عدول از وصیت به شمار رود، وصیت لغو شده خواهد بود و در غیر این صورت، عمل به وصیت واجب است.

سؤال ۳۲ : اگر شخصی برای خودش حج را به جای آورد سپس وصیت کند پس از فوتش به نیابت از او حج کنند و معلوم نباشد که مورد وصیت، حجة الاسلام است - مانند آن که برایش بطلان حج سابقش آشکار شود و یا دریابد که آن هنگام مستطیع نبوده است - که لازم است هزینه آن از اصل ماترك جدا شود و یا آن که این حج، احتیاطی یا مستحبی است که باید از ثلث جدا شود و اگر کفاف هزینه حج را ندهد اجرای آن متوقف بر موافقت ورثه است، در چنین حالتی تکلیف چیست؟

جواب : اگر استطاعتش در زمانی معلوم باشد و ندانند که پس از آن حجة الاسلام را به جای آورده است، یا نه، بر ورثه واجب است که هزینه آن را از ثلث جدا کنند و کاستی آن را - در صورتی که ثلث پاسخگو نباشد - از اصل ترکه جبران نمایند و اگر ندانند که مستطیع بوده است و یا بدانند که مستطیع بوده و پس از آن خودش حج به جای آورده است، هزینه حجش را از ثلث می پردازند و اگر کفاف نکرد، کاستی آن را با اجازه ورثه از مابقی ارث جبران می کنند.

نیابت در حج

سؤال ۳۳ : آیا نیابت تبرعی از سوی کسی که از انجام پاره ای مناسك حج ناتوان است، صحیح است؟ مثلاً اگر حاجی روز عید قربان و پیش از انجام اعمالش بازداشت شود، آیا کفایت می کند که یکی از دوستانش به جایش بی آن که او خبر داشته باشد رمی جمره و قربانی کند؟

جواب : این کار کافی نیست، بلکه نیابت باید به درخواست او بوده باشد.

سؤال ۳۴ : آیا انجام حج نیابتی از سوی چند تن جایز است و آیا اگر برخی یا همه آنان مرده باشند، تفاوت می کند؟

جواب : در حج مستحبی، مطلقاً اشکالی ندارد، اما در حج واجب جز در يك مورد که در مسأله ۱۲۶ مناسك آمده است، جایز نیست.

سؤال ۳۵ : آیا نایب شدن زن برای مرد در حج تمتع جایی که احتمال می رود به سبب حیض شدن و تبدیل حجش به حج افراد نتواند عمره تمتع را به جا آورد، صحیح است؟ و اگر نایب شد و حیض گشت، آیا عمل نیابتی او مجزی است؟

جواب : اگر به ناتوانی او در حج تمتع اطمینان حاصل نشود، اقرب آن است که نایب شدنش جایز و عملش مجزی

است، حتی در صورت تبدیل حج.

سؤال ۲۶ : آیا گرفتن اجرت برای انجام عمره مفرده نیابتی که آن را رجاء به جای می آورند، جایز است؟

جواب : مانعی ندارد.

سؤال ۲۷ : کسی که در انجام طواف عمره تمتع و حجش و نمازهای دو طواف نایب شده است لازم است در حین

ادای آنها مُحرم باشد؟

جواب : لازم نیست.

سؤال ۲۸ : کسی که به اندازه هزینه حجش بدهی دارد، از نظر حضرت عالی مستطیع به شمار نمی رود. حال آیا

برایش جایز است که از طرف خود و یا دیگری حج مستحبی به جای آورد؟

جواب : جایز است. البته اگر آن بدهی حال (مهلت آن سررسیده) و طلبکار خواستار آن باشد و هزینه کردن

اموالش برای ادای حج مستحبی موجب ناتوان شدنش از ادای آن گردد، این کار برایش جایز نیست و اگر مخالفت

کرد، معصیت کرده است، اما حجش صحیح است.

سؤال ۲۹ : کسی که به دلیل پیری یا ضعف و مانند آن جایز است که برای حجة الاسلام نایب بگیرد، آیا شرعاً

برایش بهتر است که تا جایی که می تواند خود با تحمل سختی و مشقت مناسك حج را به جای آورد و آن چه را

که نمی تواند خودش به جای آورد مانند سعی و رمی و جز آن به نایب واگذارد و یا آن که برایش ارجح آن است که

برای همه مناسك حج نایب بگیرد؟

جواب : ظاهراً صورت اول ارجح است.

سؤال ۴۰ : شخصی همه کارهایش را به پسرش می سپارد و او به دلیل ناتوانی پدر از ادای حج، برایش کسی را

اجیر می کند تا به نیابت از او حج بگذارد. حال آیا اگر پدر از مسأله نیابت یکسره بی خبر باشد، عمل نایب برایش

مُجزی است؟

و اگر پیش از آن که نایب در میقات مُحرم شود، از مسأله خیردار شد و با آن موافقت کرد، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر وکالت پسر عام و شامل نایب گرفتن برای پدر باشد - گرچه پدر نداند که در چه سالی این نیابت صورت

خواهد گرفت - عمل نایب برایش مُجزی است وگرنه مُجزی نخواهد بود، مگر آن که با اطلاع و موافقتش باشد،

گرچه این اطلاع و موافقت پیش از مُحرم شدن حاصل شود.

سؤال ۴۱ : اگر شخصی برای حج بلدی اجیر شد و مثلاً يك ماه پیش از موسم حج به شهر میت رفت. و به عنوان

نیابت حج حرکت نمود و به شهر خود رفت و از آن جا راهی مکه مکرمه شد، آیا عملش مُجزی است و حجش،

بلدی خواهد بود؟

جواب : آری.

سؤال ۴۲ : اگر شخصی برای حج بلدی اجیر شد، لیکن در ساعت حرکت غفلت کرد که آن را نیت کند، آیا نیت

سابقش کافی است؟

جواب : اگر حج نیابتی محرك او به سوی عمل باشد، کافی است.

سؤال ۴۳ : آیا واجب است که اعمال نایب در حج بر طبق تقلیدش باشد یا ناچار باید مطابق تقلید منوب عنه

باشد؟

جواب : طبق تقلید خودش عمل کند، البته اگر فرض شود که مورد اجاره صریحاً - یا بر اثر انصراف اطلاقش - مقید

به عمل صحیح در نظر منوب عنه یا اجیرکننده باشد، در آن صورت وظیفه اش عمل به مقتضای آن است مادام که

به فساد عبادت یقین حاصل نشود.

سؤال ۴۴ : شخصی برای خودش به عنوان عمره مستحبی مُحرم می شود، حال آیا برایش جایز است که از آن به

حج به نیابت از پدرش عدول کند؟

جواب : عدول جایز نیست.

سؤال ۴۵ : اگر شخصی برای نیابت از دیگری خود را اجیر کرد یا قصد نیابت تبرعی از او را داشت، در حالی که

برای عمره یا حج مُحَرَّم شده بود، اینك شك دارد که آیا به هنگام احرامش قصد نیابت داشته است یا آن که برای خود مُحَرَّم شده است. در این صورت تکلیفش چیست؟

جواب : اگر انگیزه و محرکش به سوی عمل نیابت از آن غیر باشد، به گونه ای که اگر او نبود، اقدام نمی کرد، همین برای انجام آن کفایت می کند.

سؤال ۴۶ : آیا همان طور که ایمان نایب در انجام حج شرط است، برای ادای پاره ای از اعمال حج نیز شرط است؟
جواب : آری. بنا بر احوط - جز در مورد ذبح و نحر - شرط است.

سؤال ۴۷ : شخصی نایب می شود که به نیابت از دیگری حج کند و از شهر خودش برای همین غرض راه می افتد و چون به میقات می رسد و برای عمره تمتع مُحَرَّم می شود، آن را فراموش می کند، به گونه ای که اگر از او بپرسند : «چه می کنی؟» خواهد گفت : «برای خودم مُحَرَّم می شوم» و نمی گوید که به نیابت از فلانی مُحَرَّم می شوم و متوجه خطای خود نمی شود، مگر پس از آن که خود را در مکه می یابد. حال چه کند؟ آیا می تواند از احرام خود اعراض کند و برای منوب عنه دوباره مُحَرَّم شود، یا آن که بر او واجب است که حج خودش را به پایان برساند؟

جواب : جایز نیست از احرام خودش اعراض کند. لیکن اگر اعمال عمره تمتع را به جا آورد و آن گاه از مکه بیرون رفت و در ماهی که عمره را در آن به جا آورده بود، بدان بازنگشت - مانند آن که عمره را در ماه ذی قعدة به جا آورد و از شهر بیرون رفت و تا پایان آن بازنگشت - و در نتیجه عمره اش باطل شد، در این صورت اگرچه به سبب باطل کردن عمره اش گناهکار است، می تواند به نیابت از منوب عنه برای عمره تمتع از یکی از میقات ها مُحَرَّم شود.

سؤال ۴۸ : شخصی به قصد ادای حجة الاسلام، به مدینه می رسد و پیش از انجام اعمال فوت می کند. حال آیا برای متولیان کارش جایز است که کسی را از اموال به جا گذاشته اش اجیر کنند تا به نیابت از او حج کند؟ و آیا با علم به این که حج بر او مستقر شده است، نایب گرفتن نیازمند کسب اجازه از ورثه اش است یا آن که اجازه حاکم شرعی کفایت می کند؟

جواب : واجب است که از ورثه اش اجازه بگیرند و اجازه حاکم شرعی کافی نیست و این که زاد و راحله اش را باید - طبق روایت - برای حج معین کنند به این معنی نیست که بر این امر غیر از ورثه ولایت دارند.
سؤال ۴۹ : آیا افضل آن است که انسان برای خودش حج مستحبی به جای آورد، یا آن که هزینه حج را به مؤمنان فاقد استطاعت ببخشد تا حج واجب به جای آورند و یا آن که خودش به نیابت از دیگری حج به جای آورد.
جواب : صورت اول افضل است.

سؤال ۵۰ : آیا نایب برای حج، می تواند جهت ادای برخی اعمال که نایب گرفتن در آن ها جایز است، دیگری را نایب کند؟

جواب : اگر عذری که مجوز نایب گرفتن است، برایش پیش آید، جایز است و در مورد ذبح مطلقاً جایز است.
سؤال ۵۱ : ورثه، شخصی را اجیر می کنند تا در قبال مبلغی معین و در سالی معین، به نیابت از میت شان حج کند. اما پیش از موسم حج به دلالتی هزینه حج افزایش می یابد. در این صورت آیا اجیر ملزم به ادای حجی که بابتش اجیر شده و به همان مبلغ تعیین شده است، یا آن که می تواند اجاره را فسخ کند و یا از ورثه بخواهد آن کاستی را جبران کنند؟

جواب : در صورتی که در قرارداد شرط معاملی که استحقاق یکی از این دو حالت را نشان دهد، نباشد، اجیر حق فسخ یا مطالبه مبلغ بیشتر را ندارد.

سؤال ۵۲ : اگر شخصی به نیابت از دیگری برای عمره مفرده مُحَرَّم شد، لیکن فراموش کرد و برای خودش طواف نمود، در این صورت آیا باید طواف را برای منوب عنه اعاده کند و عملش صحیح است؟

جواب : آری، باید طواف را به نیابت از منوب عنه، اعاده کند؟

سؤال ۵۳ : اگر شخصی برای حج نیابتی اجیر شد، آیا می تواند دیگری را برای ادای آن اجیر کند؟

جواب : اگر اجیرکننده به صراحت و یا به انصراف با او شرط نکرده باشد که خودش حج را به جای آورد، جایز است. لیکن جایز نیست که قیمت اجرت اجیر دوم کمتر از اجرت خودش باشد.

سؤال ۵۴ : اگر شخصی برای حج نیابتی اجیر شد و پاره ای از مقدمات کار را انجام داد و در این راه مبلغی صرف کرد، آن گاه دولت مانع از سفرش به سرزمین مقدس شد. حال آیا می تواند مبلغی را که صرف تهیه مقدمات کرده است، از اجیرکننده خود مطالبه کند یا نه؟

جواب : اگر برای حج و مقدمات آن اجیر شده باشد و اجرت در قبال همه آن ها باشد، در این صورت می تواند مبلغی را که خرج کرده است مطالبه کند و اگر تنها برای حج اجیر شده باشد و مقدمات با آن لحاظ نشده باشد، استحقاق دریافت چیزی ندارد.

سؤال ۵۵ : کسی برای ادای عمره تمتع خودش وارد مکه شد و حجتش مستحبی بود، آیا می تواند از ادای حج تمتع اعراض کند و در آن جا برای ادای حج نیابتی اجیر شود و به یکی از میقات ها برود تا به نیابت از منوب عنه، برای عمره تمتع محرم شود؟

جواب : باید حج خود را همان طور که آغاز کرده است به پایان برساند و با اعراض از آن، عمره اش باطل نمی شود. البته اگر عمره اش قبل از ماه ذی حجه باشد و او پس از فراغت از اعمال عمره از مکه بیرون رود و تا پایان ماهی که در آن برای عمره مُحرم شده است بدان بازنگردد، عمره اش باطل می شود و او در این حال می تواند از یکی از میقات ها به نیابت از آن که می خواهد، برای عمره تمتع مُحرم شود. در این صورت حجتش صحیح است. اگرچه به سبب باطل کردن عمره اش گناهکار است.

سؤال ۵۶ : اگر شخصی برای ادای حج بلدی اجیر شد و چون به مدینه منوره رسید، از مسجد شجره جهت عمره مفرده برای خودش مُحرم شد و پس از انجام آن به مدینه بازگشت و دوباره برای حج نیابتی مُحرم شد. حال آیا با این کار وظیفه اش را درباره حج بلدی انجام داده است؟

جواب : مانعی ندارد و به حج نیابتی لطمه نخورده است.

سؤال ۵۷ : آیا به جای آوردن حج یا عمره به نیابت از حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفدا - جایز است؟

جواب : آری، جایز است.

سؤال ۵۸ : آیا جایز است کسی را برای ادای حجة الاسلام اجیر کنند، در صورتی که از پیش معلوم باشد که به یکی از طرق زیر از ادای عمل اختیاری ناتوان است؟

۱. اگر از وقوف اختیاری در عرفه یا مزدلفه معذور باشد و وقوف اضطراری را انجام دهد.

جواب : بنابر احوط نیابت او مُجزی نیست.

۲. اگر از ادراك وقوف اختیاری برای همه وقت معذور باشد و تنها به مقدار رکن توقف کند.

جواب : بعید نیست که نیابتش جایز باشد.

۳. اگر شخصاً از انجام طواف عمره تمتع یا حج و یا سعی آن دو معذور باشد و ناچار برای آن ها نایب بگیرد.

جواب : بنابر احوط نیابتش مجزی نیست.

۴. اگر لبیک گوئی اش غلط باشد و حتی با تلقین نتواند جملات را درست ادا کند، لذا خود لبیک بگوید و دیگری را هم نایب بگیرد تا لبیک بگوید.

جواب : احوط مُجزی نبودن نیابتش است.

۵. اگر در فرائنش غلطی باشد که با آن نتواند نماز طواف را طبق روش معتبر شرعی به جای آورد، لذا خود نماز بخواند و دیگری را هم برای ادای آن نایب بگیرد.

جواب : احوط مُجزی نبودن نیابتش است.

۶. اگر شخصاً از رمی جمره عقبه در روز عید معذور باشد، لذا دیگری را برای آن نایب بگیرد.

جواب : احوط مُجزی نبودن نیابتش است.

۷. اگر از مبيت در منی معذور باشد.

جواب : بنا بر اظهار نیابتش جایز است.

۸. اگر شخصاً از رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم معذور باشد، لذا دیگری را نایب بگیرد.

جواب : بعید نیست که نیابتش صحیح باشد.

۹. اگر نسبت به ارتکاب پاره ای محرمات احرام، چون در سایه قرار گرفتن و پوشاندن سر و مانند آن ها معذور باشد.

جواب : نیابتش جایز است.

سؤال ۵۹ : اگر حج در فرض های سؤال قبل، حج مستحبی باشد، آیا اجیر گرفتن برایش صحیح است؟

جواب : اگر عمل اجیر درباره خودش صحیح باشد، صحیح است. لیکن بر او لازم است که اجیرکننده را از وضع خود باخبر سازد.

سؤال ۶۰ : اگر کسی را که قادر به ادای عمل اختیاری در جایی که بنا به فتوا یا احتیاط نایب گرفتن در آن جایز نیست، به سبب جهل به حکم یا موضوع نایب بگیرد وبعد از گذشت وقت علم پیدا کند، آیا جهل او باعث معذوریتش می گردد و می تواند به عمل نایب اکتفا کند؟

جواب : خیر.

سؤال ۶۱ : اگر کسی خودش را برای حج نیابتی اجیر کرد و چون مُحرم شد دریافت که بنا بر فتوا یا احتیاط، عملش مُجزی نیست، حال چه کند؟

جواب : اگر بنا بر فتوا، عملش مُجزی نباشد، احرامش باطل است و اگر بنا بر احوط مُجزی نباشد، احتیاط کند و حجتش را به نیابت از منوب عنه رجاء به پایان برساند.

سؤال ۶۲ : اگر شخصی ناقص العضو باشد، آیا می توان او را برای حجة الاسلام و جز آن نایب گرفت؟

جواب : اگر نقص عضو او موجب خلل در انجام عمل اختیاری نشود، نیابتش جایز است وگرنه مشمول پاسخ پرسش های ۵۸ و ۵۹ می شود.

ورود به مکه با احرام

سؤال ۶۳ : کسی با احرام عمره مفرده وارد مکه مکرمه می شود و اعمالش را به جا می آورد. سپس برای مثلاً انجام پاره ای کارهای مربوط به خدمت حجاج به سوی عرفات خارج می شود و آن گاه می خواهد به مکه بازگردد، حال آیا باید برای عمره مفرده دیگری محرم شود، یا نه؟ و اگر مُحرم شدن بر او واجب است، از کجا باید مُحرم شود؟

جواب : اگر پیش از پایان ماهی که در آن عمره اش را به جای آورده است بخواهد به مکه بازگردد، می تواند بدون احرام وارد شود. اما پس از پایان آن ماه، ورودش به مکه بدون احرام جایز نیست و در صورتی که از میقات ها نگذشته باشد و بخواهد به مکه وارد شود، مُحرم شدنش از ادنی الحل برای عمره مفرده جایز است وگرنه بر او واجب است که از یکی از میقات ها مُحرم گردد.

سؤال ۶۴ : در رساله مناسك فرموده اید کسی که بعد از فراغت از اعمال عمره تمتع بی احرام از مکه خارج شود، اگر بازگشتش پس از ماهی باشد که در آن عمره به جای آورده است، برای برگشتن به مکه بر او واجب است که برای عمره مُحرم شود. حال آیا مقصود از عمره، عمره تمتع است یا عمره مفرده؟ و اگر مقصود عمره تمتع است، آیا آن عمره اولی مفرده به شمار می رود و واجب است که طواف النساء و دو رکعت نمازش را به آن ببیند؟

جواب : عمره اولی لغو شده است و طواف النساء برایش واجب نیست. پس اگر بخواهد عمره دوم را به حج ببیند، بر او لازم است که به قصد عمره تمتع از یکی از میقاتها محرم شود و عمره تمتع را انجام دهد و اگر نتواند به انجا برود از ادنی الحل جهت عمره مفرده احرام ببندد و پس از انجام دادن اعمال آن تا روز ترویبه در مکه بماند و قصد حج کند که عمره مفرده او منقلب به تمتع می شود ولی اگر بخواهد میانش و میان حج به وسیله عمره دیگری فاصله اندازد؛ مانند آن که عمره اولی او در ماه شوال بوده باشد و آن گاه از مکه خارج شود و در ماه ذی

قعهده بخواهد وارد آن شود و از آن جا مجدداً بیرون رود و در ماه ذی حجه بدان بازگردد، در این صورت هنگامی که خواست در ماه ذی قعهده وارد مکه شود، بر او لازم است که برای عمره مفرده مُحرم شود. زیرا او میان این عمره و حج با عمره دیگری که آن را در ماه ذی حجه به جای خواهد آورد، فاصله انداخته است.

سؤال ۶۵ : آن که مقیم مکه است، هرگاه در هر روز یا هر هفته از مکه بیرون رود، آیا بر او واجب است که هنگام بازگشتش مجدداً مُحرم شود؟

جواب : اگر هر روز یا سه چهار بار در هفته از مکه بیرون رود، بر او واجب نیست که هنگام ورود مجدداً مُحرم شود.

سؤال ۶۶ : اگر کسی بر اثر فراموشی، نادانی و یا عذری مانند آنها، از میقات مُحرم نشد و بدون احرام داخل مکه گشت، آیا بر او لازم است که برای مُحرم شدن به میقات بازگردد، اگرچه این کار به سبب هزینه بالای انتقال که بر او سنگین است، برایش دشوار و حرجی باشد؟

جواب : در چنین صورتی لازم نیست، لیکن اگر برایش ممکن باشد و حرجی نباشد، به خارج از حرم برود و از آن جا مُحرم شود.

سؤال ۶۷ : اگر کسی به عمد یا بر اثر عذری بدون احرام وارد مکه شد، آیا ماندنش در آن حرام است و بر او واجب است که فوراً شهر را ترك کند، یا نه؟

جواب : ظاهر آن است که نفس ورود بدون احرام حرام است، نه ماندن در آن حال و ادامه آن.

سؤال ۶۸ : در مناسك فرموده اید کسی که اعمال عمره مفرده خود را در مکه مکرمه به پایان رساند و از آن خارج شد، جایز است که بدون احرام بدان بازگردد، در صورتی که بازگشتش پیش از پایان ماهی باشد که در آن عمره اش را به جای آورده است. سؤال این است که این حکم در موردی که عمره به جای آورده شده برای خود شخص نبوده و نیابت از دیگری باشد، باز جاری است؟

جواب : در آن اشکالی به نظر می رسد. احتیاط آن است که در فرض سؤال جز با احرام مجدد به مکه باز نگردد، اگرچه این بازگشت در همان ماهی باشد که عمره نیابتی را در آن به جای آورده است.

احکام عمره مفرده

سؤال ۶۹ : کسی که حج واجب خود را به جای نیاورده است، آیا جایز است که در ایام حج، عمره مفرده به جای آورد، مانند آن که از میقات برای عمره مفرده مُحرم شود، پس با آن به مکه بیاید و سپس به میقات بازگردد و برای حج یا عمره تمتع مُحرم شود؟

جواب : جایز است و احتیاط آن است که این دو عمره در يك ماه نباشد.

سؤال ۷۰ : کسی که برای عمره مفرده مُحرم شده است، آیا جایز است نیت خود را به حج تمتع تغییر دهد؟

جواب : جایز نیست. البته اگر عمره اش در ماه های حج باشد و او تا یوم الترویبه (هشتم ذی حجه) در مکه بماند و قصد حج کند، عمره اش، عمره تمتع به شمار می رود و او باید حج تمتع را به جای آورد.

سؤال ۷۱ : کسی که به هنگام ادای طواف عمره مفرده، دچار عارضه ای شد و سلامتی اش مختل شد و در نتیجه او را به شهرش بازگرداندند، تکلیفش چیست؟

جواب : در صورتی که این مسأله پس از به پایان رساندن شوط چهارم باشد، بعید نیست که نایب گرفتن برای دیگر شوط ها و همچنین برای سعی، مُجزی باشد. در این صورت او پس از طواف نایب، نماز طواف را می خواند و پس از سعی او موهای سرش را می تراشد - یا کوتاه می کند - و برای طواف النساء نایب می گیرد و خود نماز آن را به جای می آورد و آن گاه کاملاً از احرام خود بیرون می آید. اما اگر این مسأله مربوط به قبل از شوط چهارم باشد، بیرون آمدنش از حالت احرام بدون آن که به مکه بازگردد و شخصاً اعمال عمره اش را به جای آورد، محل اشکال است.

سؤال ۷۲ : آیا کسی که مثلاً در آخر ماه رجب عمره به جای آورده باشد، جایز است که در اول ماه شعبان عمره دیگری به جای آورد؟

جواب : جایز است.

سؤال ۷۳ : حضرت عالی در رساله مناسک فرموده اید، کسی که آگاهانه و به عمد در عمره مفرده پس از سعی، با زن خود آمیزش کند، عمره اش باطل می شود. حال آیا ترك عمدی طواف یا سعی باطل کننده عمره است و مکلف می تواند از حالت احرام بیرون بیاید، یا آن که جز با ادای همه مناسک از احرامش خارج نمی شود؟
جواب : جز با ادای آن از احرامش خارج نمی شود.

احکام حج افراد

سؤال ۷۴ : آیا لازم است که عمره مفرده را بلافاصله پس از حج افراد به جای آورند، یا آن که جایز است ادای آن را به تأخیر اندازند؟

جواب : وجوب عمره مفرده مانند وجوب حج، فوری است.

سؤال ۷۵ : آن که در مکه مکرمه است، اگر بخواهد حج افراد به جای آورد، از کجا مُحرم شود؟
جواب : برایش جایز است که از خود مکه مُحرم شود.

سؤال ۷۶ : کسی که وظیفه اش حج تمتع است، آن را به جای می آورد و سال بعد با احرام عمره مفرده وارد مکه می شود. سپس می خواهد حج افراد به جای آورد. آیا حق این کار را دارد؟ و اگر دارد از کجا مُحرم شود؟ از مکه یا جای دیگر؟

جواب : اگر پیش از ماه های حج عمره را به جای آورده باشد، می تواند حج افراد به جای آورد و اگر در مکه باشد می تواند از همان جا مُحرم شود. اما اگر عمره مفرده را در ماه های حج به جا آورد و سپس بخواهد حج به جای آورد و تا یوم الترویبه در مکه بماند، عمره اش تمتع خواهد بود و باید حج تمتع به جای آورد و نمی تواند حج افراد به جای آورد. البته اگر پیش از روزهای حج از مکه خارج شود، می تواند برای حج افراد از یکی از میقات ها مُحرم شود.

احکام عمره تمتع

سؤال ۷۷ : اگر مکلف از احرام عمره تمتع خارج شود و برای عمره مفرده مُحرم گردد، وظیفه اش چیست؟
جواب : باید عمره مفرده اش را کامل کند. عمره اول او نیز باطل می شود و پس از آن باید آن را اعاده کند. البته اگر تا یوم الترویبه به قصد حج در مکه بماند، عمره مفرده اش، عمره تمتع به شمار می رود و باید حج را به جای آورد.

سؤال ۷۸ : اگر مکلف در ماه ذی حجه عمره مفرده را به جای آورد. سپس به جده مسافرت کرد و پیش از یوم الترویبه با نیت حج به مکه بازگشت، آیا عمره اش، عمره تمتع به شمار می رود و می تواند حج تمتع به جای آورد؟
جواب : عمره تمتع نخواهد بود. زیرا یکی از شروطش این است که پس از به جا آوردن عمره مفرده تا یوم الترویبه از مکه خارج نشود.

سؤال ۷۹ : اگر مکلف عمره مفرده را به جای آورد سپس قصد حج تمتع کرد، آیا بر او لازم است که جهت مُحرم شدن برای عمره تمتع به یکی از میقات ها برود؟

جواب : آری، این کار بر او لازم است و بنابر احتیاط واجب مُحرم شدن در ادنی الحل - گرچه در مکه بوده باشد - مُجزی نیست. اما در صورتی که عمره مفرده اش در ماه های حج باشد و او تا یوم الترویبه به قصد حج در مکه مانده باشد، عمره اش به عمره تمتع مبدل می شود و باید حج تمتع را به جای آورد و دیگر محلی برای به جای آوردن عمره تمتع نیست.

سؤال ۸۰ : اگر مکلف برای عمره تمتع مُحرم گشت و سپس دچار اغما شد، وظیفه ولیّ او چیست؟
جواب : اگر احتمال بدهند که از حالت اغما بیرون آید و حج را درک کند؛ یعنی وقوف اختیاری در مشعر را درک کند یا وقوف اضطراری آن را با وقوف اختیاری عرفه یا دو وقوف اضطراری را درک کند، ولیّ برای او نایی می گیرد تا به

نیابت از او طواف کند و نماز آن را به جای آورد. سپس مقداری از مویش را کوتاه می کند و از احرام عمره اش خارج می شود. در یوم الترویبه نیز احتیاط آن است که ولیّ به نیابت از او مُحرم شود؛ یعنی به جای او لبیک بگوید و او را از محرمات احرام باز دارد و او را به دو موقف ببرد. اگر در آن جا از اغما بیرون آمد، - اگر نتواند به مکه برود - از همان جا مُحرم شود. پس اگر در حال هوشیاری وقوف اختیاری مشعر را یا وقوف اضطراری مشعر همراه با وقوف اختیاری یا اضطراری عرفه درك كند حج را درك کرده است و باید بقیه مناسکش را به جای آورد. و اگر پیش از انجام بقیه مناسک مجدداً به حالت اغما رفت، ولیّ نایبی می گیرد تا به نیابت از او آن ها را انجام دهد. لیکن اگر از حالت اغما بیرون نیامد تا وقوف ها را از دست داد، حجش باطل است.

سؤال ۸۱ : اگر کسی در حال انجام طواف عمره تمتع سکنه قلبی کند و او را به شهرش برگردانند، تکلیفش چیست؟

جواب : اگر وضع جسمی اش اجازه ماندن در مکه برای تکمیل مناسک عمره اش را اگرچه از طریق نایب گرفتن و سپس احرام برای حج و ادراك وقوف ها به مقداری که جز به آن حج صحیح نیست، ندهد، در این صورت احکام محصور که در مسأله ۴۴۶ رساله مناسک آمده است شاملش می گردد. در غیر این صورت اگر بازگشتن به شهرش به خواست و اختیارش بوده باشد، بعید نیست که احرامش باطل گردد، گرچه در این کار گناهکار است. لیکن اگر بازگشتش بدون اراده و اختیارش باشد، اقرب آن است که حکم مصدود که در مسأله ۴۳۹ مناسک آمده است، بر او جریان یابد.

سؤال ۸۲ : اگر مکلف بر اثر جهل به حکم یا فراموشی، به جای عمره تمتع برای عمره مفرده مُحرم شد، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر قصد به جا آوردن عمره ای را داشت که وظیفه اش بود و پنداشت که همان عمره مفرده است، این خطای در تطبیق به او ضرری نمی زند وگرنه باید اعمال عمره مفرده را به جای آورد و اگر تا یوم الترویبه به قصد حج در مکه ماند، عمره اش، عمره تمتع به شمار می رود و حج تمتع را باید به جای آورد.

سؤال ۸۳ : اگر مکلف خطا کرد و به جای عمره تمتع برای حج تمتع مُحرم شد و اعمال عمره را انجام داد و سپس متوجه خطای خود گشت، چه کند؟

جواب : این کار به او ضرری نمی زند.

سؤال ۸۴ : زنی انجام اعمال عمره اش را تا یوم الترویبه به تأخیر می اندازد و پیش از به جا آوردن شان خونی می بیند و تصور می کند خون حیض است، در نتیجه نیتش را به حج افراد تبدیل می کند و در عرفات حاضر می شود و در آن جا متوجه می شود که آن خون استحاضه بوده است، در این صورت چه کند؟

جواب : اگر برایش ممکن باشد که به مکه بازگردد و مناسک عمره را تا قبل از زوال روز عرفه انجام دهد و سپس برای حج مُحرم گردد، واجب است که چنین کند. و اگر نتواند پس اگر اعتقاد به حیض بودن با در نظر گرفتن ضوابط شرعی بوده باشد؛ مانند این که آن خون در ایام عادت بود، اما پیش از سه روز بند آمد، در این صورت بنا بر احتیاط واجب اعمال حج افراد را به جای آورد و از حالت احرام خارج شود. پس اگر حج در ذمه اش مستقر نشده باشد و استطاعتش بر جای نماند، دیگر تکلیفی ندارد وگرنه بنا بر احتیاط مجدداً حج تمتع به جای آورد.

اما اگر اعتقاد ظنی او درباره حیض بودن، براساس رعایت ضوابط شرعی نباشد، اطهر آن است که احرامش و حجش باطل است و در سال های بعد باید حج را به جای آورد.

سؤال ۸۵ : اگر زنی پیش از احرام در حال حیض باشد و بداند که حیضش تا پایان حج و عمره ادامه خواهد داشت و همراهانش منتظر او نشوند، آیا جایز است که برای عمره و حج تمتع مُحرم شود و برای دو طواف و نمازهای آن دو، نایب بگیرد؟

جواب : ظاهراً جایز است. پس می تواند برای عمره مُحرم شود و برای طواف و نمازش نایب بگیرد و خودش سعی و آن گاه تقصیر کند. سپس حج را به جای آورد و برای طواف حج و نمازش نایب بگیرد. سپس خودش سعی کند و آن گاه برای طواف نسا و نمازش نایب بگیرد.

سؤال ۸۶ : زنی حیض می بیند و بعد از پاک شدن مُحرم می شود و به اعمال عمره تمتع می پردازد. سپس در روز عرفه خون می بیند و قبل از گذشت ده روز از ابتدای حیض قطع می شود. حال حکمش چیست؟
 جواب : به نظر می رسد که آن زن در پاکی میان دو خون که حکم يك حیض را دارند، اعمال عمره اش را انجام داده است. در مورد این پاکی میان فقها اختلاف نظر است. نظر مشهور آن است که جزو حیض است و جمعی از فقها گفته اند که پاکی است. لذا در صورتی که حیض باشد، وظیفه آن زن به حج افراد مبدل می شود و باید پس از فارغ شدن از اعمال حج، اگر توانست عمره مفرده به جای آورد. در صورتی که آن فترت پاکی به شمار آید، عمره آن زن صحیح است و باید حج تمتع را به جای آورد و دیگر تکلیفی ندارد.
 واز آن جا که ما در این مسأله احتیاط می کنیم، اگر آن زن به مجتهد دیگری رجوع کرد - البته با رعایت ترتیب در اعلامیت و قاعده الاعملم فاعلم - و او به حیض بودن یا پاکی آن حالت فتوا داد، وظیفه اش روشن است. لیکن اگر آن زن بخواهد احتیاط کند، باید اعمال مشترك میان حج تمتع و حج افراد را با نیت اعم از آن دو به جای آورد. همچنین در منی قربانی را که از مختصات حج تمتع است به امید مطلوب واقع شدن انجام دهد. همچنین اگر می تواند، اعمال عمره مفرده را به امید مطلوب واقع شدن به جای آورد.

سؤال ۸۷ : زنی که صاحب عادت وقتیه و عددیه است و عادتش هفت روزه است، اگر پس از احرامش حیض شد و سپس روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را به جای آورد و آن گاه برای حج مُحرم شد و پس از آن اثر خونی دید، تکلیفش چیست؟

جواب : خون دوم اگر در روز دهم از اولین زمان خون دیدن یا زودتر بند آمده، جزو حیض اول به شمار می رود. اما اگر از ده روز گذشت پس تمام خون دوم، استحاضه به شمار می رود. در صورت اول بنا بر احتیاط واجب در مدت پاکی میان دو خون باید احکام زن پاک و زن حائض را رعایت کند، که نتیجه اش در این جا آن است که طواف عمره اش و نماز آن را پیش از طواف حج قضا کند.

سؤال ۸۸ : در مناسک فرموده اید کسی که در حال انجام عمره تمتع است، بنا بر احتیاط از مکه جز برای اعمال حج خارج نشود، مگر آن که خروجش بر اثر نیازی هر چند غیرضروری باشد. حال آیا خرید، تفریح و به دیدار دوستان رفتن، از نمونه های نیاز به شمار می روند؟

جواب : ملاک در نیاز، نیاز عرفی است و موارد مذکور به اختلاف موارد گاه از مصادیق نیازمندی عرفی به شمار می روند و گاه نه.

سؤال ۸۹ : اگر مکلف پس از انجام اعمال عمره تمتع متوجه شد که خانه ای که در مکه برایش در نظر گرفته اند خارج از حرم است. حال آیا می تواند در آن سکونت کند یا نه؟

جواب : اگر آن خانه از محلات مکه به شمار رود، سکونت در آن مانعی ندارد.

سؤال ۹۰ : دارویی وجود دارد که زنان از آن برای به تأخیر انداختن عادت ماهانه خود استفاده می کنند. حال اگر زنی بداند که در صورت استفاده نکردن از این دارو پیش از رسیدن به میقات حیض می شود و نمی تواند عمره تمتع را به جای آورد، آیا بر او واجب است که از آن دارو استفاده کند و عادتش را به تأخیر اندازد، تا حشش به حج افراد مبدل نشود؟

جواب : استفاده از دارو بر او واجب نیست.

احکام حج تمتع

سؤال ۹۱ : اگر ولی کودک، او را به عمره تمتع وادارد، آیا بر او واجب است که به حج تمتع نیز وادارش کند و اگر واجب نیست، آیا بر او متعین است که او را طواف نسا دهد؟

جواب : اگر آن کودک غیرممیز باشد، هیچ بر او واجب نیست و اگر ممیز باشد انجام طواف النساء و نمازش کفایت می کند.

سؤال ۹۲ : اگر مکلف عمره تمتع را انجام داد سپس مسأله ای برایش پیش آمد که از انجام حج بر جانش ترسید و

یا از این که دچار ضرر مهمی شود هراسان شد، آیا می تواند از حج تمتع اعراض کند؟
 جواب : اگر ترسش عقلایی باشد، واجب نیست حج را کامل کند، در این صورت احتیاط آن است که آن را به عمره مفرده تبدیل نماید و طواف النساء به جای آورد.

سؤال ۹۳ : در مناسك فرموده اید کسی که عمره تمتع را به جای می آورد، جایز نیست به اختیار خود حج را ترك کند، اگرچه اصل حج مستحبی باشد. حال آیا می تواند از حج تمتع به حج افراد عدول کند؟
 جواب : عدول جایز نیست.

سؤال ۹۴ : شخصی پس از فراغت از اعمال عمره تمتع، دچار حادثه ای می شود که به سبب آن به بیمارستانی بیرون از مکه منتقل می گردد و پزشك عملاً او را از بازگشت به مکه جهت مُحرم شدن برای حج بازمی دارد. در صورتی که توانایی وقوف در عرفات و مشعر را داشته باشد، تکلیفش چیست؟
 جواب : از هرجایی که بتواند، مُحرم شود و راهی عرفات گردد.

سؤال ۹۵ : کسی که در حال حج تمتع است اگر از منی به مکه بازگردد، آیا جایز است پیش از طواف حج و نمازش از آن جا خارج شود؟
 جواب : ظاهراً جایز است.

احکام میقات ها

سؤال ۹۶ : آیا جایز است کسی که از مسجد شجره مُحرم شده است، پس از احرام به مدینه منوره برگردد و از آن جا از طریق هوایی به جده مسافرت کند و سپس از آن جا راهی مکه گردد؟

جواب : این کار فی نفسه جایز است. لیکن بر او واجب است که از در سایه قرار گرفتن حرام، اجتناب کند.

سؤال ۹۷ : آیا جایز است کسی که در مدینه منوره است و قصد ادای عمره یا حج دارد، برای پرهیز از مُحرم شدن از مسجد شجره مقصدش را جده قرار دهد و با هواپیما بدان جا برود. سپس با نذر یا غیر آن از آن جا مُحرم شود؟
 جواب : اگر هنگام آغاز مسافرتش از مدینه منوره، به دلیل توقف کم در جده مثلاً چندساعته، عرفاً مسافر مکه به شمار رود، جایز نیست که بدون احرام از مسجد شجره بگذرد. اما اگر عرفاً مسافر جده به شمار رود و سفرش از جده به مکه آغاز سفر دیگری به شمار آید، در این صورت به تأخیر انداختن احرام از مسجد شجره جایز است.
 سؤال ۹۸ : در فرض سؤال قبلی اگر مُحرم نشدن از مسجد شجره و رفتن به جده بدون احرام برای مکلف جایز نباشد، لیکن او به عمد چنین کند، آیا بر او واجب است که به مدینه بازگردد و از مسجد شجره مُحرم شود، یا آن که برایش جایز است که از جده با نذر مُحرم شود؟

جواب : جایز است که به جحفه برود و از آن جا مُحرم شود، گرچه به سبب مُحرم نشدن از مسجد شجره معصیت کرده است. لیکن در هیچ حال جایز نیست که با نذر از جده مُحرم شود.

سؤال ۹۹ : آیا میقات در میقات های پنجگانه (ذوالحلیفه، جحفه، عتیق، قرن المنازل و یلملم) به مساجد آن ها اختصاص دارد، یا آن که احرام در هر جایی از آن ها جایز است؟

جواب : در هر جایی از این میقات ها احرام جایز است، به جز ذوالحلیفه که به احتیاط واجب در مسجد آن (مسجد شجره) مُحرم شوند و احرام بسته شود بیرون از آن - جز برای زنان حائض و نساء - مجزی نیست.

سؤال ۱۰۰ : در مناسك آمده است : کسی که از سایر میقات ها مُحرم می شود اولی آن است که اندکی راه برود و سپس لبیک بگوید. آیا مقصودتان، اندکی راه رفتن از خود میقات است یا پس از گذشتن از آن؟

جواب : مقصود لبیک گفتن در میقات است، اما پس از اندکی پیش رفتن از جایی که در آن نیت احرام کرده اند.

سؤال ۱۰۱ : در مورد تعیین مکان میقات در قرن المنازل بین «هدا» (وادی محرم) و «وادی السیل» اختلاف نظر است. با توجه به این که عده ای از افراد ثقه می گویند هدا نسبت به وادی السیل از مکه دورتر است، آیا مکلف می تواند پیش از رسیدن به آن و یا در همان نقطه با گفتن : «برای خدا بر من است که از این مکان مُحرم شوم» مُحرم گردد؟ یا آن که برای رهایی از این اختلاف احتیاط کند و در هر دو نقطه مُحرم شود؟ و آیا نذر در میقات های

معین چه نذر پیش از رسیدن به آن باشد و چه پس از رسیدن به آن مشروع است؟
 جواب : اگر «هدا» نسبت به مکه مکرمه پشت وادی السیل باشد، جایز است نذر کند که در آن مُحرم شود و در این صورت احرام در آن به هر تقدیری صحیح است و احتیاجی به احتیاط کردن و مُحرم شدن در دو نقطه نیست. همچنین صحیح است که با نذر مُحرم شوند، چه پیش از رسیدن به میقات های معین و چه در خود میقات ها.
 سؤال ۱۰۲ : در فرض سؤال قبلی، آیا به نظر حضرت عالی میقات در قرن المنازل همان «هدا» است یا «وادی السیل»؟ یا آن که معیار در آن اطمینان یافتن مکلف پس از تحقیق در مسأله است.
 جواب : این نکته تابع اطمینان مکلف است و در صورت اطمینان نیافتن، می تواند با شیوه مذکور در مسأله قبل، از این مشکل رهایی یابد.

سؤال ۱۰۳ : با توجه به گسترش تازه ای که در مسجد شجره صورت گرفته است و پنهان شدن آثار مسجد اصلی، آیا مُحرم شدن از هر جای مسجد تازه، جایز است؟
 جواب : بعید نیست مُحرم شدن از هر جای مسجد شجره حتی بخش های جدید آن جایز باشد.
 سؤال ۱۰۴ : چگونه می توانیم مکان محاذی میقات را که احرام بستن از آن جایز است برای کسی که از هیچ يك از میقات ها نمی گذرد، تعیین کنیم؟

جواب : اگر دو خط را در نظر بگیریم که یکدیگر را قطع می کنند و زاویه ای ۹۰ درجه تشکیل می دهند و یکی از آن ها از مکه می گذرد و یکی از میقات، در این صورت اگر شخص مکلف در نقطه تقاطع به سمت مکه بایستد، در جایی ایستاده است که محاذی آن میقات است. معیار در این مسأله نیز صدق عرفی است و دقت عقلی لازم نیست.

سؤال ۱۰۵ : در رساله مناسک فرموده اید اگر مکلف بداند - گرچه اجمالاً - که میان جده و حرم نقطه محاذی یکی از میقات ها وجود دارد - همچنان که با توجه به محاذات جده با جحفه این مسأله بعید نیست - جایز است که با نذر مُحرم شود. لیکن با توجه به این ادعا که جده از نظر طول جغرافیایی پس از جحفه واقع شده است، گاه در وجود چنین نقطه محاذاتی شك می شود و نمی توان وجود نقطه محاذاتی میان آن و مکه مکرمه در مقایسه با جحفه تصور کرد. نظر حضرت عالی در این باب چیست؟

جواب : نقشه های جغرافیایی نشان می دهند که جده از نظر طول جغرافیایی پیش از جحفه است، نه پس از آن. بنابراین، به نظر ما نقطه محاذی جحفه در جنوب شرقی جده قرار دارد.

سؤال ۱۰۶ : آیا مُحرم شدن از محلات جدید مکه مکرمه، مانند «شیشه»، «عزیزیه» و «شارع الستین» با توجه به این که پاره ای از آن ها نزدیک بیست کیلومتر از مرکز شهر فاصله دارند، صحیح است.
 جواب : مُحرم شدن از محلات جدید اگر امروزه جزو این شهر مقدس به شمار روند، بنابر اظهار جایز است، مگر محلاتی که خارج از حرم باشند.

سؤال ۱۰۷ : حدود مکه قدیم چیست؟
 جواب : بنابر روایات معصومین: حدود مکه عبارتند از : عقبه مدنی ها و عقبه ذی طوی.

سؤال ۱۰۸ : اگر مکلف با هواپیما به جده رسید و از آن جا خواست به مدینه منوره برود لیکن به او اجازه داده نشد لذا با نذر از جده مُحرم شد و یا به جحفه رفت و از آن جا مُحرم گشت، سپس به او اجازه داده شد که به مدینه برود، آیا جایز است از احرامش عدول کند و از مسجد شجره مُحرم شود، یا نه؟ و اگر جایز نیست و او از احرامش عدول کرد، تکلیفش چیست؟

جواب : پس از آن که احرامش درست صورت گرفت، جایز نیست از آن عدول کند. لیکن اگر نسبت به حکم مسأله جاهل بود و از لباس احرام درآمد و لباس دوخته پوشید و یا دیگر مُحرمات احرام را مرتکب شد، کفاره بر او واجب نیست، جز در مورد روغن معطر یا عطراُمیز به خود زدن که بنابر احتیاط کفاره دارد.

سؤال ۱۰۹ : آیا نذر کردن جهت احرام پیش از میقات از سوی کسی که می داند بدین سبب ناگزیر از در سایه قرار گرفتن تحریم شده می گردد، صحیح است؟

جواب : محل اشکال است.

سؤال ۱۱۰ : در مناسك فرموده اید که برای زن حائض و مانند آن جایز است بیرون مسجد شجره مُحرم شود. حال اگر داخل مسجد شد و در آن جا مُحرم گشت، آیا احرامش صحیح است؟
جواب: اگر در حال گذر از مسجد با واردشدن از دریو بیرون رفتن از دری دیگر مُحرم شود، صحیح است. بلکه مطلقاً صحیح است.

احکام احرام

سؤال ۱۱۱ : آیا احتیاط در مورد ترك وقف به حرکت و وصل به سکون در نماز، در لبیک گویی نیز جاری است؟
جواب : آری در آن نیز جاری است، لیکن از نظر ما این احتیاط مستحب است.
سؤال ۱۱۲ : شخصی در میقات تلبیه را فراموش می کند و تا رسیدن به مکه به یادش نمی آید که لبیک بگوید. تکلیف او چیست؟
جواب : اگر بتواند به میقات بازگردد و از آن جا مُحرم شود، بر او واجب است که برگردد وگرنه این مسأله چند صورت دارد که در مسأله ۱۶۹ رساله مناسك ذکر کرده ایم. بدان جا رجوع شود.
سؤال ۱۱۳ : کسی که برای عمره یا حج نایب دیگری است، آیا جایز است که با نذر قبل از میقات مُحرم شود، یا آن که لازم است از خود میقات مُحرم شود؟
جواب : جایز است که قبل از میقات با نذر مُحرم شود.
سؤال ۱۱۴ : کسی که حج واجب خود را به جای آورده است و بار دیگر امکان رفتن به حج برایش فراهم شده است، نیت این حش چگونه باشد تا اگر حج اولی او دچار خللی شده باشد، بدیل آن گردد و اگر درست بوده باشد مستحبی گردد؟
جواب : نیت امتثال فرمانی که بالفعل متوجه او شده است، کند، گرچه نداند که واجب است یا مستحب.
سؤال ۱۱۵ : اگر حاجی پس از دو وقوف متوجه شد که تلبیه اش به صورت صحیحی نبوده است، تکلیفش چیست؟
جواب : اگر در آن هنگام به همان صورت ممکن لبیک گفته باشد و غلط در تلفظ در حدی نبوده باشد که مانع صدق عرفی لبیک بر آن شود، تکلیفی ندارد وگرنه باید در همان جا که هست دوباره لبیک بگوید و حش نیز صحیح است.
سؤال ۱۱۶ : آیا بر زن واجب است که در حال احرام از لباس های دوخته بپرهیزد، یا آن که جایز است در لباس های عادی خود مُحرم شود؟
جواب : جایز است که در لباس های عادی خود مُحرم شود.
سؤال ۱۱۷ : آیا برای شخص مُحرم جایز است که پس از پایان احرام، «ردا» را از دوش خود بیندازد و تنها با «زار» بماند و با این حالت اعمال را به جای آورد؟
جواب : جایز است.
سؤال ۱۱۸ : آیا راهنمای حجاج که کارش ایجاب می کند مدت بسیاری در کشتارگاه بماند، لازم است لباس احرام خود را در صورتی که با خون یا چیز دیگر نجس شده فوراً عوض یا تطهیر کند؟
جواب : آری، بنا بر احتیاط بر او لازم است که آن را عوض یا تطهیر کند.
سؤال ۱۱۹ : اگر مکلف نیت انجام حج مستحبی را داشته باشد، اما به هنگام احرام خطا کرد و نیت ادای حجة الاسلام را نمود، چه کند؟
جواب : اگر شروط حجة الاسلام در او جمع نشده باشد، در هر صورت حش مستحبی است.
سؤال ۱۲۰ : آیا مُحرم شدن از میقات افضل است، یا قبل از آن با نذر؟
جواب : مُحرم شدن از میقات افضل است.

سؤال ۱۲۱ : اگر زن بخواهد قبل از میقات با نذر مُحرم شود، آیا بدون اجازه شوهرش این نذر صحیح است؟
 جواب : در صورتی که این نذر با حق تمتع شوهر از او منافاتی نداشته باشد - مانند آن که در این مدت از او دور باشد - یا آن که این حج بر او واجب بوده باشد، مانند حجة الاسلام و یا حجی که پیش از ازدواج بر اثر نذر بر او واجب شده باشد و راه مُحرم شدن منحصر به نذر قبل از میقات باشد، نذرش صحیح است. در غیر این چند صورت، صحت نذرش منوط به اجازه شوهر است.

سؤال ۱۲۲ : آیا جایز است کسی که برای عمره یا حج مُحرم شده است، از احرامش عدول کند و مناسك را به جای نیاورد؟

جواب : جایز نیست چنین کند و اگر عدول کرد، در صورتی که در عمره تمتع یا حج باشد و مناسك را به جای نیاورد تا آن که زمان معین آن دو گذشت، احرامش باطل است. اما اگر در عمره مفرده باشد، جز با ادای مناسك از احرامش بیرون نمی آید.

سؤال ۱۲۳ : زنی که عادتش مضطر به است اگر پیش از آن که مُحرم شود خون ببیند و نداند که آیا تا روز عرفه بند می آید تا او بتواند عمره تمتع را به جای آورد و در نتیجه بر او لازم شود برای آن مُحرم شود و یا آن که خون بند نمی آید و او باید برای حج افراد مُحرم شود، تکلیفش چیست؟

جواب : مُحرم شدن برای آن چه در علم خدا بر او واجب است، مُجزی است و برایش کفایت می کند.

سؤال ۱۲۴ : اگر زن لبیک و یا قرائت نماز طوافش را بلند بگوید، به گونه ای که نامحرم صدایش را بشنود، آیا عملش باطل می شود؟

جواب : باطل نمی شود.

سؤال ۱۲۵ : اگر شخصی برای عمره تمتع از جایی که می پندارد میقات است، مُحرم شود و پس از انجام پاره ای از مناسك، متوجه شود که آن جا میقات نبوده است، چه کند؟

جواب : بدان چه انجام داده است، اعتنا نکند و حکم آن که بر اثر جهل از میقات مُحرم نشده است بر او جاری می شود که ما در مسأله ۱۶۹ رساله مناسك ذکر کرده ایم.

سؤال ۱۲۶ : اگر مکلف فراموش کرد که برای حج تمتع مُحرم شود و یا به حکم و جوب آن جاهل بود و تنها پس از وقوف در عرفات یا مزدلفه، متوجه خطای خود گشت، در این حال تکلیفش چیست؟

جواب : اگر در عرفات یادش آمد که مُحرم نشده است و یا حکم مسأله را دانست و توانست به مکه بازگردد و از آن جا مُحرم شود، واجب است که چنین کند و اگر به دلیل تنگی وقت یا عذری دیگر نتوانست به مکه بازگردد، از همان جا که هست مُحرم شود و حجتش صحیح است. همچنین اگر هنگام وقوف در مزدلفه به یاد آورد و یا حکم مسأله را دانست، از همان جا مُحرم شود، گرچه بتواند به مکه بازگردد و از آن جا مُحرم شود.

محرمات احرام

الف : شکار

سؤال ۱۲۷ : آیا کشتن مارمولک، عقرب و مار در حال احرام جایز است؟

جواب : کشتن عقرب و همچنین هرگونه مار بد برای مُحرم جایز است. اما کشتن مارمولک جایز نیست.

سؤال ۱۲۸ : اگر شخص مُحرم حیوانی را در حرم شکار کند و بر اثر جهل به حکم و یا عالمّاً آن را به خارج از حرم ببرد، آیا بر او واجب است که آن را به حرم بازگرداند؟

جواب : آری، بر او واجب است که آن را به حرم بازگرداند.

ب : بازی با همسر

سؤال ۱۲۹ : آیا برای شخص مُحلّ جایز است که از زن مُحرم خود لذت هایی جز جماع، لمس کردن و بوسیدن

ببرد؟

جواب : ظاهراً جایز است.

ج : عطر

سؤال ۱۳۰ : آیا برای شخص مُحرم جایز است که از صابون و شامپوی غیرمعطر و یا با عطر ضعیف استفاده کند؟

جواب : در صورت اول استفاده از آن ها جایز است و در صورت دوم احتیاط آن است که از آن ها پرهیز کند.

سؤال ۱۳۱ : آیا کشیدن سیگارهای معطر برای مُحرم جایز است؟

جواب : بنابر احتیاط از آن ها پرهیز کند.

د : پوشیدن لباس های دوختنی

سؤال ۱۳۲ : آیا به پا کردن دمپائی و کفش دوخته برای مُحرم

جایز است؟

جواب : جایز است. لیکن به پا کردن کفشی که همه روی پا را بپوشاند، جایز نیست.

سؤال ۱۳۳ : اگر بر اثر ضرورتی پوشاندن سر برای مُحرم جایز باشد، آیا لازم است که آن پوشش دوخته نباشد؟

جواب : نه، لیکن بنابر احتیاط لازم است که از لباس چون عمامه و کلاه نباشد.

سؤال ۱۳۴ : آیا برای مُحرم جایز است که ازار یا میان خود را با کمربندی از پارچه ندوخته ببندد؟

جواب : جایز است، گرچه مکروه است.

سؤال ۱۳۵ : اگرکناره های دو پارچه احرام دوخته باشد، آیا شخص مُحرم می تواند بپوشد؟

جواب : مانع ندارد.

سؤال ۱۳۶ : آیا برای مُحرم جایز است که دو طرف ردایش را به یکدیگر بببندد و یا با سوزن آن را نگه دارد؟

جواب : جایز است، گرچه بنابر احتیاط گره زدن آن جایز نیست.

ه : روغن زدن

سؤال ۱۳۷ : گاه شخص مُحرم برای معالجه ناچار می شود، به خود روغن بزند، در این صورت آیا بر او کفاره ثابت

می شود؟

جواب : اگر آن روغن دارای بوی خوش نباشد، کفاره ندارد؟

و : زدودن موی بدن

سؤال ۱۳۸ : اگر شخص مُحرم بگذارد دیگری موی بدن او را بزدايد آیا بر او کفاره ثابت می شود؟

جواب : آری، اگر او سبب شده باشد.

سؤال ۱۳۹ : اگر شخص محرم سر دیگری را بتراشد و یا مویش را کوتاه کند، آیا کفاره بر او واجب می شود؟

جواب : واجب نمی شود.

ز : پوشاندن سر برای مردان

سؤال ۱۴۰ : اگر قسمتی از سر مُحرم طاس یا بی ریخت باشد و او از آشکار شدنش خجالت بکشد، آیا جایز

است آن را بپوشاند؟ و آیا این کارش کفاره دارد؟

جواب : اگر آشکار کردنش چنان برای او سخت و حرجی باشد که تکلیف را از او ساقط کند، جایز است آن را با آن

چه از لباس به شمار نمی رود، بپوشاند و در این صورت بنابر اظهر کفاره ندارد وگرنه جایز نیست و اگر چنین کرد

بنابر احتیاط يك گوسفند کفاره آن است.

سؤال ۱۴۱ : اگر مردی به سبب ضرورتی - مانند فرض سؤال قبلی - و یا بی هیچ ضرورتی با موی مصنوعی مُحرم شد تکلیفش چیست؟

جواب : اگر بر اثر ضرورت باشد، اشکالی ندارد وگرنه بنا بر احتیاط گوسفندی کفاره اش است.

سؤال ۱۴۲ : آیا جایز است که شخص مُحرم دستش را بر صورتش بگذارد؟

جواب : آری، جایز است. همچنین جایز است که آن را با چیز دیگری بپوشاند.

سؤال ۱۴۳ : آیا جایز است که شخص مُحرم سرش را با دستمال و غیره خشک کند؟

جواب : جایز نیست، گرچه بنا بر احتیاط به شکل کشیدن و گذراندن آن بر سر باشد.

سؤال ۱۴۴ : آیا جایز است که مُحرم سرش را زیر دوش حمام و مانند آن بشوید؟
جواب : جایز است.

سؤال ۱۴۵ : آیا جایز است که شخص مُحرم سرش را بر بالش بگذارد، گرچه با این کار ناچار بخشی از سرش را می پوشاند؟

جواب : جایز است.

ح : پوشاندن صورت برای زنان

سؤال ۱۴۶ : آیا برای زن مُحرم جایز است که صورتش را با دستمال خشک کند؟

جواب : احتیاط آن است که آن را ترك کند، اگرچه به شکل کشیدن و گذراندن باشد و همه صورت را نپوشاند.

سؤال ۱۴۷ : آیا جایز است که زن مُحرم صورت و دستانش را (تا مچ) برابر مردان نامحرم آشکار کند؟

جواب : آری، اگر ترس از وقوع در حرام و به هدف واداشتن مرد به نگاه حرام نباشد، برای زن مُحرم - و غیر مُحرم - جایز است که صورت و دستانش را (تا مچ) آشکار کند.

سؤال ۱۴۸ : اگر زن در حال احرام صورتش را از مرد نامحرم بپوشاند و آن پوشش به صورتش بیچسبید، آیا کفاره دارد؟

جواب : در این مورد، کفاره ندارد.

سؤال ۱۴۹ : اگر زن مُحرم خواست روسری اش را درآورد و این کار به پوشاندن صورتش انجامید، آیا کفاره دارد؟
جواب : خیر.

سؤال ۱۵۰ : آیا جایز است که زن مُحرم بر روی صورتش بخوابد، به گونه ای که موجب پوشاندن صورتش شود؟
جواب : جایز است.

ط : در سایه قرار گرفتن

سؤال ۱۵۱ : آیا سوار ماشین های رو باز شدن با توجه به این که مُحرم در حال نشستن بر صندلی مانع آشکار شدن پشتش در برابر خورشید می شود، و این امر با پرهیز از در سایه قرار گرفتن جانبی که برای مُحرم ممنوع است، منافاتی دارد؟

جواب : از این جهت منافاتی ندارد.

سؤال ۱۵۲ : آیا استفاده از چتر در صورتی که شك شود که وجود و عدمش یکسان است، جایز است؟

جواب : جایز است مگر این که قبل از شك سایبان به شمار آید.

سؤال ۱۵۳ : اگر دیگری بر مُحرم در حال حرکتش سایه افکند، آیا کفاره بر عهده مُحرم است یا آن دیگری و یا هیچ کدام؟

جواب : بر عهده آن دیگری نیست و بر عهده خود مُحرم است اگر بتواند خود را از او خلاص کند گرچه برای حفظ

جان اقدام نکرده باشد.

سؤال ۱۵۴ : اگر شخص مُحرم مدتی ناچار شد که در سایه قرار گیرد، آیا جایز است با رفع اضطرار تا زمانی که در حال احرام است، همچنان در سایه بماند؟

جواب : با رفع اضطرار، جایز نیست که همچنان در سایه بماند. ولی اگر همچنان در سایه ماند، کفاره دیگری بر عهده اش نیست.

سؤال ۱۵۵ : اگر مُحرم وارد مکه شد و پیش از درآمدن از احرام به خانه ای که برای سکونتش تعیین شده است، رفت حال آیا جایز است جهت رفتن به مسجدالحرام برای ادای مناسکش سوار اتوبوس های سقف دار شود؟

جواب : بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

سؤال ۱۵۶ : اگر در فرض سؤال قبلی، در سایه قرار گرفتن برای مُحرم جایز نبود و او بر اثر جهل به حرمت آن، در سایه قرار گرفت آیا کفاره دارد؟

جواب : در صورت جهل به حکم، کفاره در سایه قرار گرفتن بر عهده اش نمی آید.

سؤال ۱۵۷ : اگر چند بار در سایه قرار گیرند، کفاره آن نیز متعدد می شود؟

جواب : اظهر آن است که در يك احرام، تنها يك کفاره دارد.

سؤال ۱۵۸ : آیا برای مُحرم جایز است که از آسانسورهای برقی موجود در ساختمان های مسکونی، استفاده کند؟

جواب : جایز است.

سؤال ۱۵۹ : آیا بر مردان مُحرم همراه زنان اگر در روز سوار ماشین های سقف دار شوند، کفاره واجب می شود؟

جواب : آری، اگر موجب در سایه قرار گرفتن حرام شود.

سؤال ۱۶۰ : اگر شخص مُحرم مقلد مجتهدی بود که پوشاندن خود از سرما، گرما و باد را حرام می دانست و او خود را پوشاند و بنا بر نظر مجتهد مورد تقلیدش ملزم به کفاره شد. آن گاه بعد از فوت آن مجتهد به کسی رجوع کرد که پوشاندن خود از سرما، گرما و باد را جایز می دانست و پس از فوت مجتهد دوم به شما رجوع کرد. حال تکلیفش نسبت به کفاره پوشاندن خود از گرما و سرما و مانند آن که در زمان مجتهد اول بر عهده اش آمده چیست؟

جواب : اگر آن شخص همچنان باقی بر تقلید از مجتهد دوم است، کفاره ندارد و اگر به تقلید از مجتهد اول رجوع کرده باشد، چون او را اعلم می دانسته است - نظر ما وجوب بقای بر تقلید از مجتهد اعلم است - در این صورت کفاره بر عهده اش ثابت است.

سؤال ۱۶۱ : آیا استفاده از چتر و اشیای مشابه آن در شب یا بین الطلوعین، برای مُحرم جایز است؟

جواب : جایز است اگر آسمان بارانی نباشد، بنا بر احتیاط واجب.

سؤال ۱۶۲ : آیا سوار ماشین های رو باز شدن گرچه موجب در سایه قرار گرفتن جانبی ولو به صورت جزئی برای مُحرم شود، جایز است؟

جواب : اگر مانع صدق عرفی در معرض خورشید قرار گرفتن نشود، جایز است و ظاهراً اگر کناره های ماشین کوتاه باشد و سر و سینه شخص مُحرم را نبوشاند، مانع از صدق عرفی نیست.

سؤال ۱۶۳ : شخصی مقلد مجتهدی است که خود را پوشاندن از باد و سرما و گرما و مانند آن را بر مُحرم حرام می داند. آن گاه آن مجتهد فوت می کند و آن شخص به مجتهد دومی رجوع می کند که خود را پوشاندن از غیر خورشید و باران حرام نمی داند. پس مدتی به فتوایش عمل می کند و سپس این مجتهد دوم نیز فوت می کند و آن شخص به حضرت عالی رجوع می نماید. حضرت عالی نیز تقلید از اعلم از این سه تن را بر او واجب می دانید و به نظر او مجتهد اول اعلم است. حال می پرسد :

اولاً : این شخص با توجه به حرج و سختی که در عمل به فتوای مجتهد اول با آن رو به رو می گردد، آیا می تواند در خصوص این مسأله بر تقلید از مجتهد دوم باقی بماند و یا به حضرت عالی رجوع کند؟

جواب : به نظر ما، نمی تواند.

ثانیاً : اگر گروهی از اهل خبره پس از اطلاع بر مدرک هر يك از این دو مجتهد درباره فتوایشان، شهادت دهند که مجتهد دوم در مسأله تطلیل (در سایه قرار گرفتن) از مجتهد اول اعلم است، آیا می توان به شهادت آنان اعتماد کرد و در این مسأله بر تقلید از مجتهد دوم باقی ماند؟

جواب : آن چه دخیل در اعلمیت است مربوط به يك مسأله نیست بلکه مربوط به مجموعه مسائلی است که يك نوع را تشکیل می دهد. و صرف ترجیح فتوای غیراعلم بر فتوای اعلم در خصوص مسأله ای فقهی از سوی گروهی از اهل خبره، تنها گویای توافق نظر این گروه با فتوای غیراعلم در این مسأله خاص است و مقتضای این توافق آن نیست که فتوای غیراعلم در این مسأله بر فتوای اعلم ترجیح دارد. حاصل آن که اعلمیت ثابت شده به آراء اهل خبره که از مرجحات باب تعارض است، نسبت به تك تك مسائل در نظر گرفته نمی شود، بلکه با توجه به نوع مسائل لحاظ می شود و هر کسی به این لحاظ اعلم باشد، در همه مسائل آن نوع، فتوایش حجت است، مادام که خطایش در پاره ای از مسائل معین ثابت نشده باشد.

ثالثاً : اگر گروهی از اهل خبره پس از اطلاع از مستند فتوای مجتهد اول به جهتی که اختصاص به این مسأله دارد، شهادت دادند که او در فتوایش خطا کرده است، آیا مقلدش می تواند در خصوص مسأله در سایه قرار گرفتن، به دیگری رجوع کند؟

جواب : اگر بدین وسیله به خطای مجتهد مورد تقلیدش اطمینان یافت، جایز است با مراعات ترتیب در اعلمیت از فتوایش دست بکشند و به دیگری رجوع کنند. لیکن مقلد عامی به مجرد تخطئه مستند فتوای اعلم در خصوص این مسأله بهوسیله اهل خبره، از کجا به چنین اطمینانی دست می یابد! البته گاه اگر تخطئه کنندگان اعلم به شکل مذکور، جمع قابل اعتنایی از اهل خبره باشند و به خبرویت و وثاقتشان اعتماد کامل باشد، ممکن است چنین اطمینانی حاصل شود.

رابعاً : اگر چاره ای جز بقای بر تقلید مجتهد اول در این مسأله نباشد، آیا در مدتی که مقلد مجتهد دوم بوده است و در مورد در سایه قرار گرفتن به فتوای او عمل کرده است، کفاره در سایه قرار گرفتن بر عهده اش می آید؟
جواب : کفاره ای بر عهده اش نمی آید.

ی : خارج ساختن خون از بدن

سؤال ۱۶۴ : آیا جایز است شخص مُحرم مستقیماً به دیگری آمپول بزند، اگر این کار مستلزم بیرون آمدن خون از او گردد؟

جواب : جایز است، گرچه اگر آن دیگری مُحرم باشد، احتیاط مستحب ترك آن است.

سؤال ۱۶۵ : آیا جایز است شخص مُحرم به خودش آمپول بزند، در صورتی که موجب بیرون آمدن خون از او شود؟
جواب : بنا بر احتیاط جایز نیست، مگر آن که ضرورتی در میان باشد.

سؤال ۱۶۶ : آیا جایز است که شخص مُحرم خون خود را برای دیگری اهدا کند؟

جواب : احتیاط آن است که شخص مُحرم به هیچ صورتی خون از بدنش خارج نکند، چه خود مباشر آن باشد و چه سبب آن گردد، مگر آن که ضرورتی آن را ایجاب کند.

یا : ناخن گرفتن

سؤال ۱۶۷ : آیا جایز است که شخص مُحرم ناخن دیگری را - چه مُحرم باشد و چه مُحلّ - بگیرد؟

جواب : بعید نیست در این دو مورد جایز باشد، گرچه احتیاط ترك مورد دوم است.

یب : کشیدن دندان

سؤال ۱۶۸ : آیا جایز است که شخص مُحرم دندان دیگری را بکشد، یا نه؟

جواب : جایز است.

احکام کفاره ها

سؤال ۱۶۹ : اگر بر حاجی کفاره واجب گشت، آیا به سبب گرانی گوسفند در مکه و منی جایز است ادا آن را تا رسیدن به شهرش به تأخیر اندازد؟

جواب : اگر کفاره دادن در خود مکه و منی به سبب بالا بودن نرخ ها دشوار و حرجی باشد، جایز است آن را تا رسیدن به شهرش به تأخیر اندازد وگرنه در ادا کفاره صید - و بنا بر احتیاط در دیگر کفاره ها نیز - تأخیر جایز نیست.

سؤال ۱۷۰ : اگر در فرض سؤال قبلی به تأخیر انداختن برای حاجی جایز نبود و او بر اثر عذری و یا بدون هیچ عذری، آن را به تأخیر انداخت، حال آیا ذبح کردن در شهرش مجزی است، یا آن که ناچار است کسی را نایب خود کند تا در مکه یا منی گرچه در سال های بعد قربانی کند.

جواب : ذبح در شهرش مجزی است.

سؤال ۱۷۱ : در مناسك فرموده اید که موارد مصرف کفاره، فقیران و مساکین هستند. حال اگر حاجی در مکه یا منی فقری نیافت تا ذبیحه را به او صدقه دهد، آیا باز لازم است که در آن جا ذبح کند و اگر چنین کرد، با گوشت ذبیحه چه کند؟

جواب : اگر برایش ممکن بود که به یکی از فقیران دست پیدا کند و از او وکالت بگیرد تا کفاره را پذیرفته در آن تصرفی از قبیل فروش، هدیه، اعراض و مانند آن کند، واجب است که چنین کند و اگر این کار برایش ممکن نگشت، جایز است که ذبح کردن را تا رسیدن به شهرش به تأخیر اندازد.

سؤال ۱۷۲ : اگر حاجی در مکه یا منی کفاره خود را ادا کرد و فقری نیافت تا ذبیحه را به او صدقه دهد و آن را رها کرد تا تلف شد، آیا ضامن قیمت آن برای فقیران است؟

جواب : آری، بنا بر احتیاط ضامن قیمت آن پس از ذبح است.

سؤال ۱۷۳ : آیا برای گوسفندی که جهت کفاره آن چه گذشت ذبح می شود، داشتن شروط قربانی معتبر است؟

جواب : معتبر نیست، گرچه احوط رعایت آن هاست.

احکام طواف

سؤال ۱۷۴ : شخصی هفت بار طواف می کند و هر شوطی را از حجرالاسود آغاز می کند و کنار رکن یمانی نیت پایان یافتن آن شوط می کند، حال وظیفه اش چیست؟

جواب : طوافش باطل است. حال اگر این اتفاق در عمره تمتع یا حج باشد و بتواند قبل از فوت وقت آن را دریابد و جبران کند، حجش صحیح است وگرنه حجش باطل است و بر او واجب است آن را اعاده کند و همچنین احتیاط واجب آن است که شتری به عنوان کفاره ذبح کند.

سؤال ۱۷۵ : اگر مکلف در عمره تمتع بر اثر فراموشی طواف نکرد و یا کمتر از هفت شوط طواف کرد و آن گاه در عرفات به یاد آورد، چه کند؟

جواب : پس از بازگشت به مکه قضا آن را به جای آورد و اگر آن چه را فراموش کرده بود سه شوط یا کمتر بود، همان ها را به جای آورد و اگر بیشتر بود آن ها را به جای آورد و پس از اتمام طواف، بنا بر احتیاط مجدداً آن را اعاده کند.

سؤال ۱۷۶ : شخصی در حال طواف، حجرالاسود را می بوسد و پس از فراغت از آن شك می کند که آیا به همان جایی که رسیده بود، بازگشته است و یا اندکی از آن محل گذشته است، وظیفه اش چیست؟

جواب : طوافش را کامل کند و چیزی بر او نیست.

سؤال ۱۷۷ : اگر طواف کننده از قبل بداند که در جای معینی از مطاف بر اثر شدت ازدحام، در حال حرکت اختیار از

- او سلب می شود، حال چه کند؟ آیا می تواند نیت طواف اعم از طواف سواره و پیاده کند، به این صورت که نیت کند که آن بخش طواف را سواره به جای آورد؟
- جواب : اگر شدت ازدحام اختیارش را کاملاً سلب نمی کند، اشکالی ندارد وگرنه بر او لازم است طواف را در زمانی به جای آورد که همه آن را بتواند با اراده و اختیار خود انجام دهد. نیت مذکور نیز هیچ معنا و اثری ندارد.
- سؤال ۱۷۸ : آیا توزیع شوط های طواف مستحبی میان چند تن جایز است، به این صورت که شوط اول را به زید و شوط دوم را به عمرو و... واگذارند؟
- جواب : اشکالی ندارد. لیکن نیت نکنند که مجموع آن شوط ها، يك طواف توزیع شده میان چند نفر است، بلکه به نیت يك طواف از سوی چند تن به صورت مشترك نیت کنند و یا آن که هر شوطی را مستقلاً به نیت از شخصی به جای آورد.
- سؤال ۱۷۹ : شخصی طواف خود را از رکن یمانی آغاز می کند و به همان جا آن را پایان می دهد، حال چه حکمی دارد؟
- جواب : اگر نیتش شروع طواف از جای معین شرعی آن بود ولی خیال کرد که آن جا رکن یمانی است، اگر نقص آخرین شوط را جبران کند، بعید نیست که طوافش صحیح باشد. لیکن اگر به این صورت نبود، طوافش باطل است و حکمش شامل مکلف می شود.
- سؤال ۱۸۰ : شخصی طوافش را از رکن یمانی با این تصور که حجرالاسود است، آغاز می کند، لیکن در هنگام طواف متوجه می شود و طوافش را به حجرالاسود ختم می کند، آیا طوافش صحیح است؟
- جواب : اگر شروعش از رکن یمانی از باب خطای در تطبیق بود، ظاهراً طوافش صحیح است.
- سؤال ۱۸۱ : شخصی در دو شوط از طوافش، از داخل حجر اسماعیل طواف کرد، تکلیفش چیست؟
- جواب : آن دو شوط را اعاده کند.
- سؤال ۱۸۲ : شخصی خیال کرد که موالات معتبر میان شوط های طواف از بین رفته است و یا شك کرد که از بین رفته یا نه، لذا طوافش را از سر گرفت و آن را اعاده کرد، آیا عملش صحیح است؟
- جواب : صحیح است.
- سؤال ۱۸۳ : اگر طواف کننده مثلاً چند گامی از مطاف به سوی «شادروان» پیش رفت و چون مقدار آن را دقیقاً نمی دانست تا آن را جبران کند، يك شوط کامل به جای آورد تا جایگزین شوطی باشد که در آن خلل واقع شده است، آیا عملش صحیح است؟
- جواب : اگر این کار را بر اثر جهل ناشی از قصور (یعنی با عذر) انجام داده باشد، به صحت طوافش ضرر نمی زند وگرنه به احتیاط واجب صحیح نیست.
- سؤال ۱۸۴ : اگر طواف کننده در شوط پنجم یقین پیدا کرد که مسافتی از شوط اول را بدون اختیار پیموده است، چه کند؟
- جواب : اگر کاملاً مسلوب الاختیار نبوده باشد، اشکالی ندارد وگرنه شوط اول را ملغی نماید.
- سؤال ۱۸۵ : اگر شخصی نیت کند که طواف واجب را در هفت شوط به جای آورد و يك شوط هم از باب تبرک بر آن بیفزاید، طوافش چه حکمی دارد؟
- جواب : به طوافش ضرر نمی زند.
- سؤال ۱۸۶ : اگر از طواف کننده در شوط آخر حدثنی سر زد و او از مطاف بیرون آمد و تطهیر کرد و سپس بازگشت و طواف را از سر گرفت، آیا این کارش صحیح است؟
- جواب : اگر طواف را بعد از فوت موالات عرفی از سر گرفته باشد، صحیح است وگرنه به احتیاط واجب صحیح نیست، به خصوص اگر آن حدث بی اختیار از او سر زده باشد.
- سؤال ۱۸۷ : اگر طواف کننده اعتقاد پیدا کرد که در پاره ای از قدم های شوط اختیارش سلب شده است، لذا آن را کامل کرد و پس از آخرین شوط، شوط دیگری بدان افزود، این طوافش چه حکمی دارد؟

- جواب : به احتیاط واجب صحیح نیست، مگر آن که طواف کننده جاهل قاصر یعنی معذور باشد.
- سؤال ۱۸۸ : اگر طواف کننده شوطی را که در حال انجام آن است به احتمال این که دچار خلل شده است، رها کرد و شوط تازه ای از حجرالاسود آغاز کرد، چه حکمی دارد؟
- جواب : اگر شوطی که در حال انجامش بود محکوم به صحت بود اما آن را از سر گرفت، به احتیاط واجب صحیح نیست. البته اگر این کار را بر اثر جهل یا عذر انجام داده باشد، طوافش صحیح است.
- سؤال ۱۸۹ : اگر طواف کننده طوافش را با تردید به صحت آن یا شك در تعداد شوط های آن به پایان برد و سپس به صحت و بی کم و زیاد بودن شوط هایش یقین پیدا کرد، آیا عملش صحیح است؟
- جواب : صحیح است.
- سؤال ۱۹۰ : زنی به شوهرش در طواف می پیوندد و چون شوط ششم را به پایان می برد، شوهرش از مطاف بیرون می رود و آن زن طوافش را از نو آغاز می کند، این کار چه حکمی دارد؟
- جواب : اگر طواف را پس از پدید آمدن منافی - مانند فوت موالات عرفی - از سرگرفت، طوافش صحیح است و الاً به احتیاط واجب صحیح نیست مگر آن که این کار را بر اثر جهل ناشی از قصور یعنی با عذر انجام داده باشد.
- سؤال ۱۹۱ : اگر طواف کننده چند گام از شوط را انجام داد، در حالی که فاقد شروط معتبر شرعی آن بود، مثل این که ازدحام بسیار شدید بود و یا آن که عذر دیگری چون رو به کعبه بودن داشت و یا یکسره اختیارش سلب شد و یا از «شادروان» بالا رفت و... تکلیفش در موارد زیر چیست :
- اولاً : اگر هنگام وقوع خلل، متوجه آن گشت؟
- جواب : بازگردد و مقداری را که دچار خلل شده جبران کند و نمی تواند بدون قصد طواف به جایی که دچار خلل شده برود و از آن جا نیت طواف کند. البته اگر مثلاً بر اثر شدت ازدحام نتوانست بازگردد، بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود سپس این شوط را از سر بگیرد.
- ثانیاً : اگر طواف کننده در همان هنگام خلل متوجه آن شد، لیکن همچنان طوافش را ادامه داد و شوط را کامل کرد؟
- جواب : اگر شوط را بر اثر جهل ناشی از قصور کامل کرده باشد، آن را اعاده کند و دیگر تکلیفی ندارد وگرنه طوافش به احتیاط واجب باطل است.
- ثالثاً : اگر پس از کامل کردن آن شوط و هنگام شوط بعدی متوجه خلل گشت؟
- جواب : شوطی را که دچار خلل شده است، اعاده کند و طوافش صحیح است.
- سؤال ۱۹۲ : اگر طواف کننده هفت شوط طواف کرد، سپس در صحت طوافش شك نمود و پیش از آن که نماز طواف را بخواند، احتیاطاً طوافش را اعاده کرد، آیا این کار به صحت عملش ضرر می زند؟
- جواب : جواز فاصله انداختن میان طواف و نماز طواف بهوسیله طواف احتیاطی، محل اشکال است.
- سؤال ۱۹۳ : اگر زنی از لاک ناخن مانع از رسیدن آب به سطح ناخن استفاده می کرد و نمی دانست که لاک مانع از صحت وضویش می شود و با همان حج کرد، حجش چه حکمی دارد؟
- جواب : حجش باطل است و بنابر احتیاط لازم است شتری به عنوان کفاره ذبح کند.
- سؤال ۱۹۴ : دارویی وجود دارد که زنان برای به تأخیر انداختن عادت ماهانه خود در ماه رمضان یا ایام حج از آن استفاده می کنند، لیکن گاه هنگام استفاده از آن در موعد عادت خونی منقطع بیرون می آید که صفات خون حیض را ندارد. نظر به این که اگر زن از آن دارو استفاده نکند پس از سه روز خون حیض می بیند و در صورت ادامه مصرف آن، یا اصلاً خونی بیرون نمی آید و یا خون به صورت منقطع بیرون می آید، حکم آن چیست؟
- جواب : در فرض سؤال، آن خون حکم خون حیض را ندارد، بلکه حکم استحاضه را دارد، چه صفات خون حیض را داشته باشد و چه نداشته باشد.
- سؤال ۱۹۵ : اگر امر دایر باشد میان این که زن از دارو برای به تأخیر انداختن خون حیض استفاده کند تا بتواند خودش طواف و نمازش را به جای آورد، یا آن که برای آن نایب بگیرد، آیا استفاده از دارو برای او لازم است؟

جواب : در صورت ایمنی از ضرر، بنابر احتیاط بر او لازم است.

سؤال ۱۹۶ : شخصی چهارده شوط طواف می کند، با این اعتقاد که همین مقدار بر او واجب است، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر جاهل قاصر باشد به صحت طوافش ضرر نمی زند وگرنه صحتش محل اشکال است.

سؤال ۱۹۷ : اگر طواف کننده احتمال دهد پاره ای از شوط های طوافش باطل است، آیا برایش جایز است که یک

یا دو شوط احتیاطاً - یعنی برای جبران نقص احتمالی - بر آن بیفزاید؟ و اگر چنین کرد، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر طواف محکوم به صحت باشد، جایز نیست برای جبران نقص احتمالی احتیاطاً چیزی بر آن بیفزایند،

ولی اگر کسی بر اثر جهل ناشی از قصور چنین کرد، به صحت طوافش ضرر نمی زند.

سؤال ۱۹۸ : اگر در هنگام طواف بخشی از زیبایی های زن مانند مویش آشکار شود، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب : به طوافش زیان نمی زند.

سؤال ۱۹۹ : آیا خوردن و نوشیدن در هنگام طواف جایز است؟

جواب : جایز است.

سؤال ۲۰۰ : آیا قطع کردن اختیاری طواف و از سر گرفتن مجدد آن جایز است؟

جواب : قطع طواف بنابر اظهر جایز است. لیکن اگر این قطع پس از پایان شوط چهارم طواف واجب و یا به هنگام

طواف مستحبی باشد، از سر گرفتن باید پس از فوت موالات عرفی یا ایجاد منافی دیگر مانند بیرون آمدن از مطاف

و داخل شدن در کعبه معظمه باشد.

سؤال ۲۰۱ : اگر طواف کننده در حال طواف بود که نماز جماعت برپا شد و طوافش را قطع کردند و او بر اثر آن

معتقد شد که طوافش باطل شده است، لذا آن را از سر گرفت، آیا این کار او مجزی است؟

جواب : بعید نیست مجزی باشد.

سؤال ۲۰۲ : اگر طواف کننده در هنگام طواف زخمی شد و خونش ساعت ها بند نیامد، نظر به این که اجتناب از

این خون برایش دشوار است، آیا می تواند با همین حال به طواف ادامه دهد، یا بر او لازم است که تا بند آمدن

خون صبر کند؟

جواب : اگر ضرورتی برای تعجیل نباشد و صبر کردن تا بند آمدن خون برایش دشوار نیست، احوط آن است که صبر

کند.

سؤال ۲۰۳ : اگر زنی به بطلان طوافش در عمره تمتع آگاه شد و سپس عادت گشت، در این حال چه کند؟

جواب : حکم کسی را دارد که پیش از آن که طواف کند، عادت شده است که در مسأله ۲۹۰ مناسک مذکور

است.

سؤال ۲۰۴ : آیا جایز است زنی که می ترسد حیض شود فقط طواف حج و نمازش را بر دو وقوف مقدم دارد، یا آن

که جایز است سعی و طواف النساء و نمازش را نیز بر آن ها مقدم دارد؟

جواب : مقدم داشتن همه آن ها برایش جایز است، لیکن شوهرش و عطر زدن پیش از انجام مناسک در منی بر او

حلال نمی شوند.

سؤال ۲۰۵ : آیا برای زن جایز است که به مجرد احتمال عادت شدن - گرچه احتمال ضعیفی باشد - طواف حج و

نمازش را بر دو وقوف (مشعر و عرفات) مقدم دارد، یا آن که باید احتمالش در این باب قوی باشد؟

جواب : اگر این احتمال، احتمالی عقلانی و قابل توجه باشد که در موردش خوف صدق کند، برای مقدم داشتن

کافی است.

سؤال ۲۰۶ : اگر شخصی فراموش کرد که جنب است و در حال جنابت اعمال عمره و حج را به جای آورد، چه

حکمی دارد؟

جواب : طواف و نمازش برای عمره و حج باطل است و حکمش حکم کسی است که طواف را فراموش کرده

است. پس اگر توانست خودش قضای آن را به جای آورد وگرنه نایب بگیرد.

سؤال ۲۰۷ : اگر به هنگام طواف حدثنی از طواف کننده سر زد و او از روی خجالت طواف خود را ادامه داد، چه حکمی دارد؟

جواب : طوافش باطل است و به سبب آن حجتش باطل می شود و باید آن را اعاده کند.

سؤال ۲۰۸ : اگر حاجی نتواند خودش طواف کند و صاحبان تخت روان مبلغ زیادی که به حالش سنگین است از او می خواهند تا او را طواف دهند، آیا برایش جایز است که برای طواف دیگری را نایب خود کند؟
جواب : آری، جایز است.

سؤال ۲۰۹ : طواف کننده ای در حال طواف متوجه نمی در لباس احرامش شد و چون به خانه بازگشت و تفحص کرد، نجاستی در لباسش یافت و یقین پیدا کرد که این نجاست همان نمی است که هنگام طواف آن را حس کرده است، حال طواف و نمازش چه حکمی دارد؟

جواب : اگر همان هنگام طواف احتمال نداده باشد که آن نم نجاست است، طواف و نماز طوافش صحیح است، ولی اگر در آن هنگام احتمال داده باشد و تفحص نکرده باشد، احوط اعاده نماز است.

سؤال ۲۱۰ : آیا به جای آوردن طواف مستحبی در هنگام ازدحام اگر موجب تماس بدنی با زنان و به طور کلی تنگ کردن راه عبور حاجیان شود، جایز است؟

جواب : اگر آن تماس با زنان به شکل حرام باشد، جایز نیست. اما تنگی راه عبور حاجیان بر اثر طواف به نحو متعارف، مانعی ندارد.

سؤال ۲۱۱ : بر شخصی غسل مس میت واجب می شود و او فراموش می کند و با همان حال حج می کند، چه حکمی دارد؟

جواب : حکمش، حکم شخص فراموش کننده غسل جنابت است که در جواب سؤال ۲۰۶ گذشت.

سؤال ۲۱۲ : آیا حکم کثیرالشك که در کتاب الصلاة آمده است، در مورد کسی که در طواف بسیار شك می کند جاری است، یا نه؟ و اگر در مورد او نیز جاری باشد، معیار کثرت شك در طواف چیست؟
جواب : شخص کثیرالشك در طواف، همچون کثیرالشك در نماز، نباید به شك خود اعتنا کند و معیار در آن نیز صدق عرفی است که ظاهراً در مورد کسی صدق می کند که شك او بیش از شك کسانی است که در بودن یا نبودن موجبات حواس پرتی مانند او هستند.

سؤال ۲۱۳ : شخص جنب اگر استفاده از آب برایش ضرر داشته باشد، آیا برایش کفایت می کند که تیمم کند و طواف نماید؟

جواب : آری، اگر از برطرف شدن عذرش قبل از فوت وقت طواف مایوس باشد، کفایت می کند.

سؤال ۲۱۴ : اگر طواف کننده در تعداد شوط ها شك کرد و بنا را بر بطلان طوافش گذاشت و آن را از سر گرفت و در اثنای طواف دوم نسبت به تعداد شوط های طواف اول یقین پیدا کرد، تکلیفش چیست؟
جواب : طواف دوم را کامل کند، مگر آن که به کامل بودن طواف اول یقین داشته باشد.

سؤال ۲۱۵ : شخصی طواف را شروع می کند و چون به حجر اسماعیل می رسد، شوطی را که در حال انجام آن است رها می کند و طواف را از سر می گیرد. لیکن در شوط هفتم، همه شوط را به جای نمی آورد، بلکه شوطی را که از قبل رها کرده و از آن اعراض کرده بود کامل می کند، حال حکم او چیست؟
جواب : طوافش باطل است.

سؤال ۲۱۶ : آیا زن مستحاضه اگر استحاضه اش کثیره باشد می تواند برای طوافش و نماز طوافش به يك غسل و اگر متوسطه یا قلیله باشد به يك وضو اکتفا کند؟

جواب : در مورد مستحاضه متوسطه و قلیله احوط آن است که برای هر يك از طواف و نماز طواف جداگانه وضو بگیرد. و در مورد کثیره اگر خون همچنان سیلان داشته باشد وپی در پی به ظاهر پنبه برسد، احوط آن است که برای هر يك از طواف و نمازش مستقلاً غسل کند، گرچه بعید نیست که يك غسل برای هر دوی آن ها کفایت کند. لیکن اگر بروز خون بر پنبه منقطع باشد، به نحوی که بتواند قبل از بروز بعدی آن غسل کند و نماز طواف را به جای

آورد، در این صورت اگر برای طواف غسل کرد و آن را به جای آورد و توانست پیش از بروز مجدد خون نمازش را نیز بخواند، جایز است بدون غسل مجدد نماز خود را به جای آورد وگرنه احتیاط واجب آن است که برای نماز طواف دوباره غسل کند.

سؤال ۲۱۷ : زن مستحاضه ای که بر او واجب است طهارت خود را تجدید کند، گاه به سبب این کار میان غسل یا وضوی او و میان طواف و نمازش فاصله زیادی می افتد. آیا این فاصله افتادن به صحت اعمالش ضرر می زند؟
جواب : فاصله افتادن میان طواف و نماز آن به مقداری که ناچاراست، بخشودنی است. لیکن در صورتی که میان وضو یا غسل و انجام طواف یا نمازش فاصله زیادی بیفتد، احتیاط واجب آن است که قبل از انجام اعمالش به جای غسل یا وضو، تیمم نیز کند.

سؤال ۲۱۸ : آیا برای مستحاضه کثیره جایز است که میان طواف و نماز طوافش و نمازهای روزانه اش جمع کند و همه را با يك غسل به جای آورد؟

جواب : بنابر احتیاط نمی تواند چنین کند. البته اگر خونش سیلان نداشته باشد و به صورت منقطع بر پنبه بروز کند و میان دو بروز خون، آن مقدار فاصله پیدا شود که بتواند نمازهای روزانه اش و طواف و نماز طوافش را به جای آورد، بنابر اظهر در این صورت می تواند همه را با يك غسل به جای آورد و نیازی به تجدید غسل ندارد.

سؤال ۲۱۹ : اگر مستحاضه ای که واجب است برای هر نماز و طوافی غسل کند، غسل کرد و به طواف پرداخت و در اثنا آن نماز جماعت برپا شد و او با جماعت نماز خواند و سپس طوافش را کامل کرد، آیا عملش صحیح است؟

جواب : صحیح نیست و باید نماز روزانه اش را با غسل مخصوص آن اعاده کند و طواف را با غسل دیگری از سر گیرد و یا آن را از همان جایی که قطع شده کامل کند، به تفصیلی که در مسأله ۲۸۵ مناسك در باب کسی که هنگام طواف حدیثی از او سر می زند آمده است.

سؤال ۲۲۰ : آیا اعاده نماز به صورت جماعت در مورد نماز طواف نیز مشروع است، یا نه؟

جواب : مشروعیت نماز طواف به صورت جماعت ثابت نیست، چه برسد به اعاده آن به صورت جماعت.

سؤال ۲۲۱ : اگر زن حائض برای عمره مفرده احرام بست، اما همراهانش منتظر او نماندند، آیا جایز است که کسی را نایب کند تا به نیابت از او طواف کند و نماز طواف را بخواند؟

جواب : آری، برای طواف و نمازش کسی را نایب کند. سپس خودش سعی و تقصیر کند و همچنین برای طواف النساء و نمازش، نایب بگیرد.

سؤال ۲۲۲ : آیا ظن به تعداد شوط های طواف، به شك ملحق می شود؟

جواب : آری، به شك ملحق می شود.

سؤال ۲۲۳ : اگر زنی حائض بود و می دانست که همراهانش منتظر او نمی مانند تا پس از پاك شدن اعمال عمره مفرده را به جای آورد، آیا جایز است که از همان اول نیت احرام کند و سپس برای دو طواف و دو نماز، نایب بگیرد؟
جواب : در فرض سؤال، جواز نایب گرفتن محل اشکال است.

سؤال ۲۲۴ : شخصی که ختنه نکرده است و پزشکان ختنه کردن را برایش خطرناك دانسته اند، چگونه حج کند؟

جواب : مانند دیگران حج کند، اما احتیاط واجب آن است که برای عمره و حج خودش طواف کند و دیگری را نیز نایب خود سازد تا به نیابت از او طواف کند و او پس از طواف نایب، نماز طواف را بخواند.

سؤال ۲۲۵ : اگر طواف کننده بدن زنی را با شهوت لمس کرد، طوافش باطل می شود؟

جواب : با این کار، طوافش باطل نمی شود.

سؤال ۲۲۶ : آیا پوشش زن در طواف با پوشش او در نماز تفاوت دارد؟

جواب : اندکی تفاوت دارد. زیرا خلل وارد کردن به پاره ای از آن چه پوشاندنش در نماز لازم است، مانند بخشی از مو یا ساعد و ساق، بنابر اظهر به صحت طواف زن خلل وارد نمی کند. گرچه احتیاط مستحب آن است که همه حدود پوشش مربوط به نماز را در طواف نیز رعایت کند. همچنین احتیاط واجب آن است که در طواف صورت خود را

با روبنده و پوشیه و مانند آن ها نپوشاند - اگرچه مُحلّ باشد مانند آن که پس از انجام اعمال منی در روز عید به طواف پرداخته باشد - البته برایش جایز است که با رها کردن چادر خود بر روی صورتش خود را از نامحرم بیوشاند.

سؤال ۲۲۷ : اگر شخصی پس از سال ها دریافت که طوافش باطل بوده است، چه حکمی دارد؟

جواب : حش محکوم به بطلان است.

سؤال ۲۲۸ : اگر پس از تقصیر، دریافت که طوافش باطل بوده است، آیا لازم است که پارچه های احرام را برای اعاده طواف بر تن کند؟

جواب : او همچنان در حال احرام است و باید از محرمات احرام مانند دوختنی و غیره پرهیز کند تا با کامل کردن اعمال، از احرامش بیرون آید.

سؤال ۲۲۹ : اگر شخصی فراموش کرد طواف را به جای آورد و یا آن را به سبب فراموشی پاره ای از شروطش باطل به جای آورد، آیا می تواند آن را در غیر ماه های حج قضا کند؟

جواب : اگر طواف عمره تمتع بود و پیش از فوت وقتش به یاد آورد، آن را در وقتش به جای آورد و اگر آن را پس از فوت وقتش و پیش از انجام طواف حج به یاد آورد، احتیاط آن است که آن را قبل از طواف حج به جای آورد و اگر پس از طواف حج به یادش آمد، هر وقت که خواست جایز است آن را قضا کند، گرچه احوط آن است که قبل از پایان ماه ذی حجه آن را به جای آورد.

اگر آن طواف فوت شده، طواف حج بود و آن را پیش از پایان ماه ذی حجه به یاد آورد، آن را به جای آورد و اگر تا پایان آن ماه به یاد نیاورد، هر وقت که خواست آن را قضا کند.

سؤال ۲۳۰ : آیا برای شخص مُحرم جایز است که طواف مستحبی را پیش از طواف عمره به جای آورد؟

جواب : ظاهراً جایز است.

سؤال ۲۳۱ : آیا برای شخص مُحرم جایز است که طواف مستحبی را پیش از طواف حج به جای آورد؟

جواب : ظاهراً جایز است. البته احتیاط واجب آن است که شخص متمتع پس از مُحرم شدن برای حج و پیش از خروج برای عرفات - گرچه طواف حج را بر اثر عذر مقدم داشته باشد - طواف مستحبی را به جای نیاورد.

سؤال ۲۳۲ : اگر کسی به هنگام طواف عمره و حج جز در لباس های احرامش حامل نجاست باشد چه حکمی دارد؟

جواب : اگر آن را نپوشیده باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۳ : شخصی در هنگام طواف غش می کند، آیا پس از به هوش آمدن می تواند آن را کامل کند؟

جواب : اعماً، ناقض طهارت است، لذا بعد از به هوش آمدن باید دوباره وضو بگیرد و طوافش را کامل کند و یا آن را به تفصیلی که در مسأله ۲۸۵ مناسك مذکور است، از سر بگیرد.

سؤال ۲۳۴ : اگر کسی بتواند تنها پاره ای از شوط ها را به جای آورد، آیا برای شوط های باقی مانده نایب بگیرد یا برای همه آن ها؟

جواب : اگر از پیش می داند که نمی تواند همه شوط ها را به جای آورد برای همه آنها نایب بگیرد و همچنین اگر پیش از به پایان بردن شوط چهارم ناتوانی عارض شود، اما اگر پس از کامل کردن شوط چهارم دچار ناتوانی شد، اقرب آن است که می تواند برای باقی شوط ها نایب بگیرد.

سؤال ۲۳۵ : آیا جایز است که بدون هیچ عذری، پس از شوط چهارم طواف را قطع کنند، سپس بنا را بر آن بگذارند و کاملش کنند؟

جواب : بنابر اظهر قطع جایز است، لیکن در این صورت احوط آن است که طواف را کامل کنند و سپس آن را اعاده نمایند.

سؤال ۲۳۶ : شخصی پنج شوط طواف می کند، سپس ناچار می شود که طوافش را قطع کند. حال آیا می تواند بنا را بر آن گذاشته دو شوط آخر را به جای آورد و یا آن که واجب است طواف را از سر بگیرد؟

جواب : می تواند بنا را بر آن بگذارد و تنها دو شوط را به جای آورد.

سؤال ۲۳۷ : آیا نایب در طواف عمره واجب است که مُحرم باشد، یا نه؟

جواب : بنا بر اقرب، واجب نیست.

سؤال ۲۳۸ : حکم کسی که به بطلان طوافش - بر اثر جهل به برخی ارکان آن - علم پیدا می کند، در هر يك از

حالات زیر چیست :

الف : پس از فراغت از اعمال عمره تمتع با بودن وقت کافی؟

جواب : طواف و نماز و سعی اش را اعاده نماید و سپس تقصیر کند.

ب : پس از فراغت از اعمال عمره تمتع با تنگی وقت؟

جواب : اگر وقت به حدی تنگ باشد که نتواند تا پیش از زوال روز عرفه اعمال را اعاده کند، عمره اش باطل است و

بنابر احتیاط شتری به عنوان کفاره بر عهده اش است.

ج : هنگام وقوف در عرفات؟

جواب : عمره تمتع او محکوم به بطلان است و بنابر احتیاط شتری به عنوان کفاره بر عهده اش است.

د : پس از فراغت از اعمال حج با این فرض که آن طواف برای حج بوده است؟

جواب : تا پیش از پایان ماه ذی حجه طوافش و نماز طواف و سعی اش را اعاده کند.

ه : پس از بازگشت به وطنش در صورتی که طواف برای حج بوده باشد؟

جواب : حجش باطل و بنا بر احتیاط شتری به عنوان کفاره بر عهده اش است، مگر آن که پیش از گذشت ماه ذی

حجه آن را جبران کند و آیا نایب گرفتن برای طواف - در صورتی که خودش نتواند برگردد - جایز است، اقرب جایز

بودن آن است.

ز : پس از بازگشت به وطنش در صورتی که طواف برای عمره مفرده بوده باشد همراه با امکان بازگشتش و عدم

آن؟

جواب : اگر برایش ممکن باشد، بازگردد و آن را اعاده کند وگرنه مُجزی بودن نیابت در این جا محل اشکال است.

سؤال ۲۳۹ : اگر طواف کننده در هنگام سعی یقین پیدا کرد که بر اثر غفلت بر تعداد شوط های طواف افزوده

است، چه کند؟

جواب : احوط آن است که به کعبه بازگردد و شوط هایی را که اضافه به جای آورده است، با نیت قربت مطلق

هفت شوط کامل کند و برای آن دو رکعت نماز بخواند، سپس سعی خود را کامل کند و احتیاط مستحب آن است

که آن را نیز اعاده نماید.

سؤال ۲۴۰ : اگر زن حائض به سبب جهل به حکم اعمال عمره تمتع را به جای آورد، وظیفه اش چیست؟

جواب : به آن چه انجام داده است، اعتنائی نکند و به وظیفه ای که در مسأله ۲۹۰ رساله مناسك بیان شده

است، عمل نماید.

سؤال ۲۴۱ : اگر طواف کننده احتمال دهد که در طوافش چندگام را در حالی که رو به کعبه مشرفه بوده، برداشته

است، وظیفه اش چیست؟

جواب : به شك خود اعتنائی نکند.

سؤال ۲۴۲ : شخصی در هنگام طواف حس کرد در بینی اش خون است، پس آن را با پارچه ای پاك کرد و طوافش

را کامل نمود، آیا چیزی بر اوست؟

جواب : اگر ظاهر بدنش و لباسش نجس نشده باشد، چیزی بر او نیست.

سؤال ۲۴۳ : کسی که نایب دیگری است در اثنای شوط دوم شك می کند که آیا از همان آغاز طواف نیت نیابت از

او را کرده است یا نه، وظیفه اش چیست؟

جواب : طوافش را با نیت نیابت از سر بگیرد.

سؤال ۲۴۴ : آیا آن چه در طواف واجب معتبر است، در طواف مستحبی نیز معتبر است، یا نه؟

جواب : بر حسب احوال و شرائط و احکام تفاوت دارد که با مراجعه به رساله مناسك شناخته می شود.

سؤال ۲۴۵ : آیا طواف از طبقه بالایی مسجدالحرام جایز است، یا نه؟

جواب : اگر طبقه بالایی ارتفاعش بیش از کعبه معظمه باشد، جایز نیست.

سؤال ۲۴۶ : آیا فاصله انداختن میان طواف و نماز طواف حج یا عمره را باطل می کند، یا آن که باطل نمی کند و فقط حرام است؟

جواب : اگرچه احتیاط واجب آن است که میان طواف و نماز آن عرفاً فاصله انداخته نشود، لیکن اخلاص به آن فی نفسه به فساد حج یا عمره نمی انجامد. بلکه اگر کسی عمداً به آن خلل وارد کرد و میان آن دو فاصله انداخت، احتیاط آن است که طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر وقت گذشت و نتوانست آن را تدارک کند، بنابر احتیاط حجتش باطل است و اگر به سبب جهل ناشی از قصور - چه جهل مرکب بوده چه متکی بر حجت شرعی باشد - میان آن ها فاصله انداخت و یا بر اثر فراموشی این کار را کرد و پس از نماز جهلش برطرف شد نماز و طوافش صحیح و چیزی بر او نیست. همچنین اگر ناچار بود میان آن ها فاصله بیندازد.

سؤال ۲۴۷ : اگر از روی جهل به مسأله نماز طواف را در حجر اسماعیل بجای آورد حکمش چیست.

جواب : نماز را پشت مقام ابراهیم علیه السلام اعاده کند.

سؤال ۲۴۸ : اگر زنی پس از طواف و پیش از نماز طواف، ناگهان عادت شد، وظیفه اش چیست؟

جواب : همان گونه که در مسأله ۲۹۶ رساله مناسك ذکر کرده ایم پس از پاك شدنش و غسل کردن، نمازش را بخواند.

سؤال ۲۴۹ : آیا به جای آوردن نماز طواف با اقتدا به کسی که نمازهای روزانه را می خواند، مجزی است؟

جواب : صحتش محل اشکال است و احوط عدم اکتفا به آن است.

سؤال ۲۵۰ : آیا برای پشت مقام، حد معینی وجود دارد؟

جواب : حد معینی ندارد و ملاك صدق عرفی است.

سؤال ۲۵۱ : شخصی به حال احرام وارد مکه می شود و تا روز عرفه چند روزی فرصت دارد، آیا بر او لازم است که عمره اش را به تأخیر اندازد تا قرائتش را درست کند؟

جواب : بنابر احتیاط بر او لازم است.

سؤال ۲۵۲ : زمان مجاز برای فاصله انداختن میان طواف و نماز آن چه مقدار است؟

جواب : احوط آن است که از نظر عرفی بلافاصله پس از طواف نماز آن را به جای آورند و ظاهراً فاصله زمانی اندکی مانند ده دقیقه برای استراحت یا به دست آوردن جایی برتر یا مناسب تر برای نماز و مانند آن، با پیوستگی عرفی منافاتی ندارد. برخلاف پرداختن به کار مستقل دیگری چون نمازهای قضا و نیابت از دیگری، که عرفاً فاصله انداختن به شمار می آید و با پیوستگی عرفی منافات دارد.

سؤال ۲۵۳ : آیا نماز طواف مستحبی، مستحب است؟

جواب : ظاهراً چنین است.

سؤال ۲۵۴ : آیا کسی که طواف کرده است حق دارد که نخست به نیابت از دیگری نماز طواف بخواند، آن گاه برای خودش نماز طواف بخواند؟

جواب : همان طور که گذشت، نمی تواند چنین کند.

سؤال ۲۵۵ : شخصی نماز طواف را فراموش کرد و پس از تقصیر آن را به یاد آورد، آیا بر او لازم است که به لباس های احرام بازگردد تا نماز را بخواند؟

جواب : این کار بر او لازم نیست.

احکام سعی

سؤال ۲۵۶ : اگر سعی کننده شوط هایی را که به جای آورده بود رها کرد و سعی را از سر گرفت، آیا عملش صحیح است؟

- جواب : اگر این کار پس از فوت موالات عرفی باشد، سعی اش صحیح است وگرنه به احتیاط واجب صحیح نیست. البته اگر این کار را بر اثر جهل ناشی از قصور انجام داده باشد، صحیح است.
- سؤال ۲۵۷ : راهنمای حُجّاج در هنگام سعی گاه پیش می افتد و گاه پس می رود و غافل است که این کارش موجب زیادی در سعی است، حال حکمش چیست؟
- جواب : اگر جاهل قاصر (غیر معذور) باشد، به صحت سعی اش ضرر نمی زند.
- سؤال ۲۵۸ : شخصی که بر اثر فراموشی ده شوط سعی می کند، سپس متوجه زیاد شدن شوط هایش می شود و سعی خود را قطع می کند و تقصیر می نماید، چه حکمی دارد؟
- جواب : سعی اش صحیح است و چیزی بر او نیست.
- سؤال ۲۵۹ : اگر مکلف خیال کرد که طهارت شرط صحت سعی است، لذا سعی خود را قطع کرد و وضو گرفت و سعی خود را از نو آغاز کرد، تکلیفش چیست؟
- جواب : اگر سعی را پس از فوت موالات عرفی از سر گرفته باشد، سعی اش صحیح است و اگر پیش از فوت آن باشد، به احتیاط واجب صحیح نیست، مگر آن که جاهل قاصر باشد که در این صورت نیز بنا بر اظهر صحیح است.
- سؤال ۲۶۰ : آیا سعی از طبقه دوم جایز است یا نه؟ و اگر جایز نیست، وظیفه کسی که به تصور جایز بودن آن را انجام داده است، چیست؟
- جواب : اگر طبقه بالایی میان دو کوه باشد، نه بالاتر از آن ها سعی در آن جایز است وگرنه جایز نیست و در صورت دوم حکم کسی که از طبقه دوم سعی کرده است، حکم کسی است که بر اثر جهل سعی نکرده است که در رساله مناسك ذکر شده است.
- سؤال ۲۶۱ : در مناسك فرموده اید در حال اختیار سواره سعی کردن جایز است، آیا سعی کردن بر صندلی های متحرک اگر متولی حرکت دادنش شخص دیگری باشد و سعی کننده فقط بر آن بنشیند، جایز است؟
- جواب : این کار در حال اختیار جایز نیست، زیرا در این صورت دیگری او را سعی داده است نه این که خودش سعی کرده باشد.
- سؤال ۲۶۲ : حکم کسی که در حال حرکت به سوی مروه است و بر اثر ازدحام و یا دیدن کسی بدن پشت می کند، چیست؟
- جواب : اگر این کار را در حال راه رفتن به سوی آن انجام داده باشد، مُجْزئ نیست و باید بازگردد و آن مقداری را که دچار خلل شده تدارک کند، همین حکم را دارد اگر در حال حرکت به سوی صفا، بدن پشت کند.
- سؤال ۲۶۳ : آیا قطع کردن سعی در حال اختیار و از سر گرفتن آن جایز است؟
- جواب : آری، بنا بر اظهر قطع اختیاری آن جایز است، لیکن باید پس از فوت موالات عرفی آن را از سر بگیرد.
- سؤال ۲۶۴ : آیا در سعی میان صفا و مروه، جایز است که شخص راه برگشت را برای رفتن و راه رفتن را برای برگشت، انتخاب کند؟
- جواب : فی نفسه جایز است.
- سؤال ۲۶۵ : آیا در حال نیت برای سعی، لازم است که شخص همه قسمت جلو بدنش را رو به روی مروه قرار دهد؟
- جواب : این کار لازم نیست، بلکه کافی است که هنگام شروع به حرکت رو به روی آن باشد.
- سؤال ۲۶۶ : آیا جایز است که شخص در حال سعی از کنار مسعی حرکت کند، نه از وسط آن؟
- جواب : جایز است.
- سؤال ۲۶۷ : آیا جایز است که نماز طواف را پس از نماز عشا به جای آوردن و سعی را تا پس از نماز صبح به تأخیر اندازند؟
- جواب : در حالت اختیار، جایز نیست که سعی را تا روز بعد به تأخیر اندازند.
- سؤال ۲۶۸ : آیا به جای آوردن طواف پیش از نماز صبح و سپس خواندن نماز صبح و سعی کردن پس از آن جایز

است؟

جواب : جایز است.

سؤال ۲۶۹ : زمان مجاز برای فاصله انداختن میان نماز طواف و سعی، چه مقدار است؟

جواب : انجام سعی بلافاصله پس از نماز طواف، واجب نیست. لذا اگر شخصی نماز را اول روز به جای آورد، برایش جایز است که سعی را تا آخر شب به جای آورد. البته، به تأخیر انداختن آن تا روز بعد جایز نیست.

سؤال ۲۷۰ : آیا می توان دویدن سعی کرد؟

جواب : جایز است، لیکن هروله کردن - نه دویدن - میان دو مناره مستحب است.

سؤال ۲۷۱ : اگر شخصی پس از ماه ذی حجه متوجه باطل بودن سعی اش در عمره تمتع یا حج شد، تکلیفش چیست؟

جواب : حجش محکوم به بطلان است.

سؤال ۲۷۲ : اگر شخصی سعی اش را با تردید در صحت آن یا شك در تعداد شوط هایش به پایان رساند، سپس به صحت و کم نبودن آن یقین پیدا کرد، آیا عملش صحیح است؟

جواب : سعی او صحیح است.

سؤال ۲۷۳ : آیا نیابت در مورد برخی از شوط های سعی - همان طور که در مورد کل آن صحیح می باشد - صحیح است، یا نه؟

جواب : دلیلی بر صحت نیابت برخی شوط ها در دست نیست، لذا اگر شخصی از انجام مجموع سعی ناتوان

است هر چند بر تعدادی از شوطها قادر باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.

سؤال ۲۷۴ : اگر شخصی نتواند خود سعی کند و صاحبان صندلی ها از او مبلغ کلانی که برایش سنگین است

می خواهند تا او را سعی دهند، در این حال آیا می تواند دیگری را نایب خود کند؟

جواب : در فرض این سؤال جایز است.

سؤال ۲۷۵ : شخصی در سعی چهارده شوط با اعتقاد به این که همین بر او واجب است، به جای آورد، حکمش چیست؟

جواب : اگر جاهل قاصر باشد، سعی اش صحیح است وگرنه صحتش محل اشکال است.

سؤال ۲۷۶ : اگر شخصی پس از تقصیر به بطلان سعی خود در عمره پی ببرد، آیا بر او لازم است که برای اعاده آن لباس های احرام را دوباره بر تن کند؟

جواب : او همچنان در حال احرام است و بر او واجب است که از محرّمات احرام مانند دوختنی و غیره اجتناب کند،

تا آن که با انجام عبادتش از احرامش خارج شود.

سؤال ۲۷۷ : آیا حکم کثیرالشك که در کتاب الصلاة آمده است، بر کسی که در سعی خود بسیار شك می کند نیز جاری است؟

جواب : بر او نیز جاری است.

سؤال ۲۷۸ : اگر پاره ای از زیبایی های زن - مانند موهایش - در هنگام سعی آشکار شود، سعی اش چه حکمی دارد؟

جواب : به صحت سعی او ضرر نمی زند.

سؤال ۲۷۹ : حکم کسی که نیت می کند سعی خود را در چهارده شوط به جای آورد و پس از آن که شوط هفتم را به جای آورد، حکم مسأله را دانست چیست؟

جواب : سعی اش صحیح است و چیزی بر او نیست.

سؤال ۲۸۰ : اگر حاجی نتواند خود سعی کند و از دیگری کمک بگیرد تا او را سعی دهد و آن شخص او را بر دوش خود بگیرد و یا در گاری بنشانند و او را سعی دهد و او در حال سعی خوابش ببرد، آیا سعی اش صحیح است؟

جواب : سعی اش باطل است.

سؤال ۲۸۱ : آیا قطع کردن سعی، برای نوشیدن آب و یا جستجوی گمشده ای، جایز است؟
 جواب : جایز است، لیکن اگر موجب فوت موالات عرفی میان شوط های سعی شود، مجزی بودن تکمیل آن محل اشکال است و احوط اعاده آن است.

سؤال ۲۸۲ : اگر حاجی پس از سعی تقصیر کرد و آن گاه متوجه نقصان سعی خود شد، چه کند؟
 جواب : اگر این مسأله در عمره تمتع بوده و این نقصان بر اثر فراموشی رخ داده باشد، بنا بر احتیاط يك گاو كفاره بدهد و سعی خود را کامل کند و بنا بر احتیاط دوباره تقصیر کند. اما اگر این نقصان بر اثر جهل مثلاً به تعداد شوط های سعی و یا در عمره مفرده یا حج باشد، كفاره ای بر عهده اش نیست و تنها سعی خود را کامل و دوباره تقصیر کند و دیگر چیزی بر او نیست.

سؤال ۲۸۳ : شخصی می بیند که مردم در مسعی هروله می کنند و می پندارد که این کار واجب است، لذا به عقب بازمی گردد و سعی خود را با هروله کردن ادامه می دهد، حال حکمش چیست؟
 جواب : به احتیاط واجب سعی اش باطل است، مگر آن که جاهل قاصر باشد.

سؤال ۲۸۴ : اگر سعی کننده پیش از رسیدن به مروه میان شوط هفتم و نهم شك نماید، چه کند؟
 جواب : سعی اش باطل است و بر او لازم است که آن را از سر بگیرد.

سؤال ۲۸۵ : آیا رعایت موالات میان شوط های سعی معتبر است؟ و حد آن چیست؟
 جواب : اعتبار موالات میان شوط های سعی، بنا بر احتیاط واجب لازم است و ملاك آن همان طور که در مسأله ۳۴۰ رساله مناسك گفته ایم، صدق عرفی است.

سؤال ۲۸۶ : اگر عمره گزار پیش از سعی، عالماً و عامداً و یا بر اثر جهل یا فراموشی تقصیر کرد، حکمش چیست؟
 جواب : اگر این کار را عالماً و عامداً کرده باشد، در صورتی که تقصیرش با ناخن گرفتن باشد - بنا بر این که می توان به آن به عنوان تقصیر اکتفا کرد - كفاره ناخن گرفتن بر عهده اش است.
 لیکن اگر با کوتاه کردن مویش تقصیر کرده باشد، اگرچه گناهکار است، بنا بر اظهر كفاره بر او ثابت نمی شود.
 اما جاهل و فراموش کار، كفاره ندارد و در هر تقدیر بر چنین کسی واجب است که دوباره سعی و پس از آن تقصیر کند. این حکم در مورد عمره مفرده است.

اما در مورد عمره تمتع نیز حکم چنین است، جز در باب فراموش کار، یعنی کسی که فراموش کرد سعی نماید و برای بیرون آمدن از احرام تقصیر کرد، که بنا بر احتیاط باید يك گاو كفاره دهد و بنا بر احتیاط پس از سعی دوباره تقصیر کند.

سؤال ۲۸۷ : گاه شخص ناچار می شود که به سبب ازدحام در راه دیگر از راه مسجدالحرام به مسعی برود، در چنین حالتی حکم زن حائض و نفساء چیست؟
 جواب : بر آنان لازم است که صبر کنند تا آن راه دیگر خلوت شود و اگر وقت تنگ شد، برای سعی کسی را نایب خود کنند.

سؤال ۲۸۸ : کسی که بر اثر جهل به مسأله سعی را بر طواف مقدم می دارد، چه حکمی دارد؟
 جواب : پس از طواف و نماز آن، سعی را اعاده کند.

سؤال ۲۸۹ : گاه سعی کننده بر صندلی های متحرك، در این که همه مسافت میان دو کوه را پیموده است شك می کند، در این حال چه کند؟
 جواب : بر او واجب است که پیمودن همه مسیر را احراز کند.

احکام تقصیر

سؤال ۲۹۰ : آیا برای تقصیرکننده جایز است که خارج از مکه تقصیر کند، یا آن که ناگزیر از تقصیر در آن است؟
 جواب : تقصیر خارج از مکه نیز جایز است، گرچه اولی رعایت احتیاط در این باب است.

سؤال ۲۹۱ : آیا برای شخص متمتع جایز است که پس از بیرون آمدن از احرام عمره تمتع و پیش از محرم شدن

برای حج، سریش را بتراشد؟

جواب : جایز است، گرچه احوط ترك آن پس از گذشتن سی روز از عید فطر است و اگر چنین کند، بنا بر احتیاط اولی باید گوسفندی کفاره دهد.

سؤال ۲۹۲ : اگر شخصی ریش یا سیبیل خود را تراشید با این اعتقاد که این کار برای تقصیر کافی است و از آن جا برای حج تمتع مُحرّم شد، چه حکمی دارد؟

جواب : ظاهراً حجش به حج افراد تغییر می یابد و باید پس از آن اگر توانست عمره مفرده به جای آورد و احتیاط اولی آن است که در سال بعد نیز حج خود را اعاده کند.

سؤال ۲۹۳ : اگر شخصی بر اثر جهل یا فراموشی دو بار تقصیر کند : يك بار پس از نماز طواف و دیگری پس از سعی، چه حکمی دارد؟

جواب : اگر این مسأله در عمره تمتع باشد و او پس از نماز طواف بر اثر فراموش کردن سعی تقصیر کرده باشد، بنا بر احتیاط بر او لازم است که يك گاو کفاره دهد و در غیر آن چیزی بر او نیست.

سؤال ۲۹۴ : کسی که عذری دارد و به سبب آن می تواند طواف و سعی را بر دو وقوف مقدم دارد، اگر بر اثر جهل به حکم پس از سعی تقصیر کرد، چه حکمی دارد؟

جواب : بر او چیزی نیست و تقصیرش بی اثر است.

احکام وقوف در عرفه و مزدلفه

سؤال ۲۹۵ : اگر حاجی برای وقوف در عرفه یا مزدلفه نیت کند و تمام وقت را بخوابد، آیا وقوفش مُجزی است؟
جواب : اگر اول وقت نیت کند سپس - گرچه تا آخر وقت - بخوابد، مُجزی است. اما اگر پیش از دخول وقت نیت کند سپس تا آخر وقت بخوابد، احوط مُجزی نبودن آن است.

سؤال ۲۹۶ : اگر حاجی در عرفات وقوف کرد و آن گاه بیهوش شد و تا زوال روز عید به هوش نیامد، حکمش چیست؟

جواب : حجش باطل است و به عمره مفرده منقلب می شود و باید مناسک آن را به جای آورد و از احرام خارج شود.

سؤال ۲۹۷ : جمعی از حجاج در شب عید، از عرفات برای وقوف در مزدلفه راهی می شوند و به منطقه ای می رسند که به آنان گفته می شود جزو مزدلفه است. آنان نیز شب را در آن جا می مانند و روز بعد متوجه می شوند که جزو مزدلفه نبوده است، حکمشان چیست؟

جواب : اگر وقوف اضطراری مزدلفه - یعنی وقوفی کم میان طلوع خورشید تا زوال روز عید - را درک کنند، حجشان صحیح است وگرنه باطل است و به عمره مفرده منقلب می شود.

سؤال ۲۹۸ : اگر حاجی بر اثر جهل به حکم وقوف در مزدلفه میان طلوع فجر و طلوع خورشید روز عید را از دست داد، آیا وقوف اضطراری در آن برایش مُجزی است؟

جواب : اگر مدتی از شب عید را در آن جا وقوف کرده باشد، این کارش مُجزی است وگرنه در آن جا پیش از زوال خورشید روز عید وقوف کند و بدین ترتیب حجش صحیح است.

سؤال ۲۹۹ : اگر حاجی قسمتی از شب عید را در مزدلفه بماند سپس برای انجام پاره ای کارها پیش از طلوع فجر به منی برود و دیگر برای وقوف مابین الطلوعین به مزدلفه بازنگردد، حجش چه حکمی دارد؟

جواب : بنا بر اظهر حجش صحیح است و باید گوسفندی کفاره دهد.

سؤال ۳۰۰ : اگر مسئولان مراسم حج، هر منطقه از مشاعر مقدسه را به گروهی از حجاج و طواف کنندگان اختصاص دهند، آیا این کار به آنان حقی می دهد به گونه ای که اگر کسی در منطقه ای که از نظر تقسیم بندی متعلق به دیگری است، وقوف کرد، وقوفش صحیح نباشد؟

جواب : چنین نیست، لیکن مخالفت با قوانین تنظیم شده برای مراسم حج سزاوار نیست.

سؤال ۲۰۱ : آیا وقوف در مزدلفه داخل اتوبوس هایی که حُجاج را از منی به عرفات منتقل می کنند، مُجزی است؟ یعنی اگر اتوبوس مخصوص انتقال حجاج به مزدلفه در راه خود به منی بود و حاجی در آن بی آن که اتوبوس توقف کند، نیت وقوف نمود، آیا با این کار وقوف رکنی محقق می شود؟

جواب : آری، با این کار وقوف رکنی محقق می شود، اگرچه پیش از طلوع فجر راهی شوند.

سؤال ۲۰۲ : در رساله مناسك آمده است که زنان، افراد ناتوان مانند پیران و بیماران و «متولی امور آنان» می توانند به وقوف شب عید در مزدلفه اکتفا کنند و پیش از طلوع فجر از آن جا راهی منی شوند. حال آیا مقصود از «متولی امور آنان» همه کسانی هستند که برای انجام کارهایشان آنان را همراهی می کنند، یا فقط کسانی هستند که از آنان نمی توانند بی نیاز شوند و سخت محتاج آنان هستند؟

جواب : مقصود فقط کسانی هستند که نمی توانند از آنان بی نیاز شوند.

سؤال ۲۰۳ : آیا به حدود معین شده موجود در مشاعر مقدسه می توان اعتماد کرد؟ جواب : اگر قدیمی و دست به دست برگرفته از گذشتگان باشد، تا هنگامی که به خطایشان اطمینان پیدا نشود، می توان بر آن ها اعتماد کرد.

سؤال ۲۰۴ : حضرت عالی در رساله مناسك فرموده اید اگر هلال از طرق معتبر نزد ما، ثابت نشود و نزد قاضی سرزمین مقدس ثابت شود و مکلف بر طبق حکم قاضی دو وقوف را به جای آورد، چه بدانند که حکم قاضی مخالف واقع است و چه آن را احتمال دهد، صحت حجش محل اشکال است. حال سؤال این است که حضرت عالی به فساد این حج در این دو صورت فتوا می دهید یا احتیاط می کنید؟ جواب : ما احتیاط را در این مسأله واجب می دانیم و کسی که از ما تقلید می کند می تواند با رعایت قاعده ترتیب در اعلمیت در این مسأله به دیگری رجوع کند.

احکام رمی جمره عقبه

سؤال ۲۰۵ : اخیراً نیروهای دولت سعودی دیوار پشت جمره عقبه را برداشته اند، آیا رمی از این سوی جمره مُجزی است؟

جواب : بنا بر احوط - اگر اقوی نباشد - مُجزی نیست.

سؤال ۲۰۶ : آیا می توان از بالای کوه های محیط بر مشعرالحرام برای رمی جمرات سنگریزه برداشت؟

جواب : کوه های مذکور اگر داخل منطقه حرم باشد، رمی با سنگریزه های آن جایز است.

سؤال ۲۰۷ : اگر نزدیک جمره سنگریزه هایی بود که معلوم نشد از آن ها برای رمی استفاده شده است یا آن که هنوز دست نخورده است و بر اثر ازدحام یا غیر آن از دست حُجاج بر زمین افتاده است، آیا رمی با آن ها مُجزی است؟

جواب : تا وقتی که اجمالاً معلوم نشود که در آنها سنگریزه های استفاده شده از قبل است، مُجزی است وگرنه رعایت احتیاط لازم است.

سؤال ۲۰۸ : آیا رمی به وسیله سنگریزه هایی که مشکوک الاستفاده است، مُجزی است؟

جواب : آری، رمی با آن ها مُجزی است.

سؤال ۲۰۹ : علامت های جدید حدود منی نشان می دهند که انتهای منی کنار جمره کبرا قرار دارد، به گونه ای که اگر حاجی بخواهد پشت به قبله، جمره را رمی کند و فقط يك ذراع (گز) با آن فاصله داشته باشد، باز خارج از حدود منی قرار می گیرد، در این حال وظیفه اش چیست؟

جواب : هنگام رمی جمره عقبه، در منی بودن معتبر نیست، لذا مانعی ندارد که حاجی هنگام رمی از طرف رو به رو از آن دور بایستد، بلکه مستحب است که رمی کننده به مقدار ده ذراع یا پانزده ذراع از آن دورتر بایستد.

سؤال ۲۱۰ : اگر بر اثر جهل یا فراموشی در رمی جمره عقبه روز عید خللی رخ دهد و حاجی فقط پس از طواف و سعی متوجه آن شود، وظیفه اش چیست؟

جواب : فقط رمی را جبران کند و دیگر بر او چیزی نیست.

سؤال ۳۱۱ : اگر در فرض سؤال قبلی، حاجی پس از روز دوازدهم متوجه شود، چه کند؟

جواب : تا هنگامی که در منی یا مکه است، آن را جبران کند.

سؤال ۳۱۲ : اگر پس از پایان ماه ذی حجه، متوجه خلل شود، وظیفه اش چیست

جواب : احتیاط اولی آن است که اگر خودش حج کرد، آن را قضا کند وگرنه دیگری را نایب خود سازد تا در سال بعد به نیابت از او روز عید، رمی جمره کند.

سؤال ۳۱۳ : در مناسك فرموده اید رمی در شب عید برای زنان و دیگر کسانی که مجاز به حرکت از مشعر در

شب هستند، مُجْزِی است. از جمله کسانی که حرکت در شب برایشان مجاز شمرده شده است «متولی امور

افراد معذور» است. حال آیا برای چنین کسی رمی در شب - اگرچه روز نیز بتواند رمی کند - جایز است، یا نه؟

جواب : اگر افراد معذور بتوانند در روز عید به مقدار رمی کردن از او بی نیاز باشند، رمی کردن در شب برایشان

مُجْزِی نیست.

احکام قربانی

سؤال ۳۱۴ : آیا ذبح کردن با کارد استیل جایز است، یا نه؟

جواب : جواز ذبح با آن خالی از شائبه اشکال نیست و جای احتیاط دارد.

سؤال ۳۱۵ : شخصی از سوی چهار تن وکیل می شود تا برایشان قربانی فراهم کند و آن ها را ذبح نماید. او نیز

برای دو نفر از آنان ذبح می کند و چون می خواهد برای دو نفر باقی مانده ذبح کند نام هایشان را کاملاً فراموش

می کند. حال وظیفه اش چیست؟

جواب : کافی است که هنگام ذبح آن دو قربانی آخر، به هر يك از آن دو حاجی که برایشان ذبح نکرده است، در

ذهن خود به گونه ای اشاره کند که از آن دیگری متمایز باشد. مانند آن که نخست برای کسی ذبح کند که از آن

دیگری مسن تر است و یا بهای قربانی را زودتر از دیگری پرداخته است و مانند آن.

سؤال ۳۱۶ : اگر حاجی يك قربانی بخرد و پیش از پرداخت بهایش متوجه شود که معیوب است، آیا جایز است

بدان اکتفا کند؟

جواب : بنابر اظهار بدان اکتفا نکند.

سؤال ۳۱۷ : گروهی، شخصی را وکیل می کنند تا برایشان قربانی بخرد و ذبح کند، حال آیا بر او واجب است که

هنگام خرید و ذبح هر گوسفندی را برای یکی معین کند یا آن که کافی است به تعدادشان - بی آن که جداگانه

تعیین کند - گوسفند بخرد و ذبح کند؟

جواب : در حین ذبح لازم است که جداگانه و هر قربانی را برای یکی از آنان ذبح کند.

سؤال ۳۱۸ : آیا صرف قانون حکومتی مبنی بر ممنوعیت ذبح در منی در صورتی که حاجی احتمال عقلانی دهد

که ذبح در منی و مخالفت با قانون ضرر مالی و جسمی قابل توجهی برایش در پی دارد، موجب عجز از ذبح در آن

و جایز بودن ذبح در وادی محسّر است؟

جواب : خوف از ضرر در صورت مخالفت با قانون، رافع وجوب ذبح در منی است و این مسأله مقتضی مُجْزِی بودن

ذبح در جای دیگری به جای منی نیست. ملاك مُجْزِی بودن ذبح در وادی محسّر - همان طور که در مناسك ذکر

کرده ایم - تنگی جا برای دربر گرفتن همه حُجَّاج است. لیکن اگر به دلیل مذکور در سؤال و مانند آن، - نه بر اثر

تنگی جا - ذبح در منی ممکن نبود، احتیاط واجب آن است که هم در وادی محسّر ذبح کند و هم بدل از قربانی

روزه بگیرد.

سؤال ۳۱۹ : اگر حاجی به سبب صدقه ندادن سهم فقرا از قربانی، ضامن شد، آیا ضامن قیمت سهم قبل از ذبح

می شود یا بعد از آن؟ زیرا اگر فرضاً قیمت گوسفند قبل از ذبح سیصد ریال سعودی باشد، پس از ذبح قیمتش

بسیار کمتر از آن می شود، حال حاجی ضامن کدام قیمت است؟

جواب : ملاك در ضمان، قیمت بعد از ذبح است.

سؤال ۲۲۰ : در صورتی که گوشت قربانی قیمت خود را پس از ذبح از دست داد - همان طور که غالباً در روز عید به دلیل نبود خریدار ذبیحه ها پیش می آید - اگر حاجی سهم فقرا را به آنان صدقه نداده باشد، ضامن سهمشان می شود؟

جواب : در فرض سؤال، ضامن نیست.

سؤال ۲۲۱ : امروزه نمی توان قربانی را سه سهم کرد، حتی دولت از این که صاحبش از آن بخورد و یا بخشی از آن میان فقیران و مؤمنان توزیع شود، ممانعت می کند، پس تکلیف حاجی چیست؟

جواب : در تقسیم مذکور آن که لازم است بنا بر احتیاط صدقه دادن يك سوم قربانی به فقیران است. اما این که حاجی از آن بخورد و همچنین هدیه دادن ثلث آن واجب نیست. صدقه دادن ثلث آن نیز بر اثر ممکن نبودن یا دشوار گشتن، ساقط می شود.

سؤال ۲۲۲ : آیا لازم است به وجود شروط معتبر در قربانی، یقین حاصل شود؟

جواب : اطمینان به وجود شروط، کافی است.

سؤال ۲۲۳ : حاجی با پولی که آن را به حکم دادگاه رسمی از کسی که برخی از وسایل او را سرقت کرده به

دست آورده است قربانی می خرد، آیا این قربانی برای او مجزی است؟

جواب : اگر آن پول را به عنوان تقاصّ و با فراهم بودن شروط تقاصّ یا خرید به صورت ثمن کلی در ذمه و وفای آن از طریق آن مبلغ بوده باشد، مجزی است والا، نه.

سؤال ۲۲۴ : اگر حاجی معتقد شد که ذبح - به دلیل آن که اسراف است - واجب نیست. لذا تقصیر کرد و از احرام خارج شد، حکمش چیست؟

جواب : بر او واجب است که فوراً لباس های دوختنی را از تن درآورد و از دیگر محرمات احرام بپرهیزد و پیش از پایان ایام تشریق، ذبح کند. پس اگر این ایام گذشت و او ذبح نکرد، بنا بر احتیاط حش باطل است.

سؤال ۲۲۵ : اگر حاجی قربانی را با پولی که خمس بدان تعلق گرفته است بخرد، آیا مجزی از او است؟

جواب : اگر آن را با ثمن کلی در ذمه بخرد و پولش را از آن چه خمس بدان تعلق گرفته است بپردازد، مجزی از اوست و ضامن مقدار خمس آن ثمن است.

سؤال ۲۲۶ : آیا جایز است که حاجی پیش از آن که برای خود ذبح کند، برای دیگری ذبح کند؟

جواب : جایز است.

سؤال ۲۲۷ : اگر قربانی واجد همه شرائط فراهم نیامد، آیا می توان به آن که بیضه هایش کوفته است، اکتفا کرد؟

جواب : اقوی آن است که می توان مطلقاً به آن اکتفا کرد.

سؤال ۲۲۸ : اگر حاجی معتقد شد کسی را که برای ذبح نایب کرده وظیفه اش را انجام داده است. لذا تقصیر کرد و از احرامش خارج شد. سپس متوجه خلاف آن گشت، تکلیفش چیست؟

جواب : بلافاصله باید لباس های دوختنی را از تن درآورد و از دیگر محرمات احرام بپرهیزد، پس هرگاه قربانی خود را ذبح کرد، از احرامش بیرون می آید و دیگر نیازی به اعاده تقصیر ندارد.

سؤال ۲۲۹ : اگر حاجی، کسی را برای خرید قربانی و ذبح آن وکیل کند و سپس بی آن که به او بگوید، برای این کار دیگری را به جای او وکیل کند. آن گاه وکیل اول برای موکل خود ذبح کند، آیا این کارش مجزی است؟

جواب : بعید نیست که مجزی باشد.

سؤال ۲۳۰ : اگر ذبیحه پس از آن که رگ های چهارگانه اش بریده شد، تکان خورد و پشت به قبله کرد، آیا این مسأله به تذکیر آن ضرر می زند؟

جواب : ضرر نمی زند.

سؤال ۲۳۱ : اگر حاجی قربانی را ذبح کرد و مناسك بعدی را به جای آورد، آن گاه متوجه شد که آن قربانی دارای شرط سنی لازم نبوده است، حکمش چیست؟

جواب : اگر این مسأله پیش از پایان ایام تشریق باشد، دوباره ذبح کند و دیگر تکلیفی ندارد و اگر بعد از آن باشد، احتیاط آن است که هم دوباره ذبح کند و هم بدل از قربانی روزه بگیرد.

سؤال ۳۳۳ : آیا جایز است که مسلمان غیرامامی را برای ذبح نایب سازند، یا نه؟

جواب : ملاک در ذبح کننده، آن است که مسلمان باشد.

سؤال ۳۳۴ : اگر حاجی نتوانست روز عید ذبح کند، آیا می تواند اندکی پیش از غروب خورشید تقصیر کند و از

احرامش خارج گردد و ذبح را به روز بعد موکول کند؟

جواب : جز با ذبح و تقصیر یا حلق از احرامش بیرون نمی آید و محلّ نمی شود. البته جایز است که حلق یا تقصیر

را بر ذبح مقدم دارد، اما بنابر احتیاط مشروط به آن که این کار پس از به دست آوردن قربانی در منی باشد.

سؤال ۳۳۴ : آیا برای حاجی جایز است که جمره عقبه را رمی کند و سپس تقصیر یا حلق نماید و آن گاه قربانی

خود را ذبح کند؟

جواب : جایز است که تقصیر یا حلق را بر ذبح مقدم دارد، اما بنابر احتیاط واجب مشروط به آن که پیش از آن

قربانی را در منی به دست آورده باشد.

سؤال ۳۳۵ : اگر حاجی پس از تقصیر و طواف و سعی، متوجه شد که قربانی که ذبح کرده است مُجزی نیست و

نمی تواند بدن اکتفا کند، حال آیا بر او واجب است که پس از اعاده ذبح، آن مناسك سه گانه را نیز اعاده کند؟

جواب : بنابر اظهر اعاده آن ها واجب نیست.

سؤال ۳۳۶ : اگر بر او واجب باشد که مجدداً ذبح کند، اما عمداً چنین نکند، آیا حش باطل می شود؟

جواب : اگر ذبح نکرد و ایام ذبح گذشت، بنابر اظهر حش باطل می شود.

سؤال ۳۳۷ : درباره وجود صفات لازم در قربانی، آیا می توان به گفته فروشنده اعتماد کرد؟

جواب : تا هنگامی که به راستگویی او اطمینان حاصل نشود، اعتماد به گفته اش اشکال دارد.

سؤال ۳۳۸ : اگر گوشت قربانی شخصی با گوشت قربانی دیگری مخلوط شد، آیا برایش مُجزی است که قسمتی

از هر کدام را بردارد و در دیگ بگذارد و پس از پختن از آن دیگ بخورد؟

جواب : آری، برای رعایت احتیاط مستحب در مورد خوردن قسمتی از گوشت قربانی، این کار مُجزی است.

سؤال ۳۳۹ : اگر کسی که در حج نایب دیگری است شخصی را برای ذبح نایب خود کند، این شخص به نیت از چه

کسی ذبح کند؟ به نیت از نایب یا منوب عنه؟

جواب : از طرف نایب ذبح کند، یعنی به نیت آن قربانی که بر او واجب گشته است، ذبح کند، چه آن شخص برای

خود حج کند و چه نایب دیگری باشد.

سؤال ۳۴۰ : اگر کسی به نیت دیگری - بدون آن که از او خواسته باشد - و با یقین به رضایت و حتی خشنودی او

ذبح کند، آیا این ذبح مُجزی از منوب عنه است؟

جواب : مُجزی از او نیست.

سؤال ۳۴۱ : اگر حاجی با آن که می توانست در منی ذبح کند، بر اثر غفلت خارج از آن ذبح کرد و فقط پس از

بازگشت به وطنش متوجه این مطلب گشت، تکلیفش چیست؟

جواب : بعید نیست ذبح او مُجزی باشد.

سؤال ۳۴۲ : به دلیل ترس از گم شدن حجاج در صورتی که همگی به کشتارگاه برده شوند، کمیته هایی تشکیل

می شود تا به نیابت از آنان ذبح کنند و چون برای اعضای این کمیته ها ناممکن یا بسیار دشوار است که از هر

ذبیحه جداگانه قطعه ای گوشت جدا کنند و به صاحبش برسانند تا از آن بخورد، تکلیف شرعی حاجی چیست؟

جواب : از آن جا که به نظر ما واجب نیست که حاجی از گوشت قربانی خود بخورد، در فرض سؤال اشکالی پیش

نمی آید.

سؤال ۳۴۳ : آیا ذبح کردن در کشتارگاهی که در وادی معیصم قرار دارد در حال اختیار مُجزی است یا فقط پس از

عدم امکان ذبح در منی و وادی محسّر هر دو، مُجزی است؟

جواب : در حال اختیار، بلکه بنا بر احتیاط مطلقاً مُجزی نیست.

سؤال ۳۴۴ : در صورتی که مکلف در حال ادای حج مستحبی برای خود است، آیا برایش جایز است که جهت کاستن از هزینه حج ذبح در منی را ترک کند، چون که امروزه قربانی کردن هزینه قابل توجهی برای مکلف دربر دارد؟

جواب : حج تمتع ناگزیر از قربانی کردن است و در این مسأله تفاوتی میان حج واجب و مستحبی نیست. لذا اگر مکلف نخواهد قربانی کند، باید حج افراد به جای آورد.

سؤال ۳۴۵ : اگر مکلف در ترتیب مناسک منی در روز عید بر اثر جهل به حکم - چه قاصر باشد و چه مقصر - خلل وارد کرد، حکمش چیست؟

جواب : عملش مُجزی است، مگر آن که جاهل مردّد باشد و حکم مسأله را نپرسد و به ترتیب مناسک منی خلل وارد کند، در این صورت بنا بر احتیاط واجب، باید اعمالش را اعاده کند.

احکام حلق و تقصیر

سؤال ۳۴۶ : آیا بر کسی که اولین بار حج می کند متعیّن است که حلق کند (سرش را بتراشد) یا آن که میان حلق و تقصیر (کوتاه کردن موی سر) مخیر است؟

جواب : بنا بر احتیاط واجب، باید حلق کند.

سؤال ۳۴۷ : اگر کودکی حج کند، از عنوان «صروره» (کسی که اولین بار حج می کند) خارج می شود، همچنین کسی که به نیابت از دیگری حج می کند؟

جواب : ظاهراً از این عنوان خارج می شوند، زیرا صروره کسی است که اولین بار است که حج می کند و پیشتر حج نکرده است.

سؤال ۳۴۸ : اگر حاجی شب یازدهم ذی حجه حلق یا تقصیر کند، مُجزی از او است؟

جواب : بعید نیست که مُجزی باشد.

سؤال ۳۴۹ : اگر حاجی در کشتارگاه جدید واقع شده در خارج از حدود منی پس از ذبح با علم به این که تقصیر باید در منی باشد و یا بر اثر جهل به مسأله، تقصیر کرد، حکمش چیست؟

جواب : بعید نیست که تقصیرش مُجزی باشد اگرچه متممّد باشد، لیکن در صورت امکان باید موی چیده شده را به منی منتقل کند.

سؤال ۳۵۰ : اگر حاجی خودش آرایشگر باشد، آیا برایش جایز است پیش از آن که خودش حلق یا تقصیر کند، سر دیگری را بتراشد؟ و اگر چنین کرد، آیا باید كفاره بدهد؟

جواب : جایز نیست چنین کند، ولی اگر چنین کرد، كفاره ندارد.

سؤال ۳۵۱ : آیا می توان برای حلق به جای تیغ از ماشین نرم (درجه صفر) استفاده کرد؟

جواب : جایز است، لیکن احتیاط مستحب انتخاب حلق به وسیله تیغ است.

سؤال ۳۵۲ : در رساله مناسک فرموده اید : «احتیاط در تأخیر انداختن حلق و تقصیر تا به دست آوردن قربانی در منی است.» حال آیا برای تحقق به دست آوردن، کافی است که وکیل گروهی به تعداد موکلین خود قربانی بخرد، بی آن که معین سازد که این قربانی برای فلان شخص است، تا حلق یا تقصیر برای موکلین او جایز باشد؟

جواب : این کار کافی نیست، بلکه باید قربانی برای یکایک افراد معین شده باشد. گرچه تنها تعیین آن نزد وکیل حاصل شده باشد.

سؤال ۳۵۳ : اگر شخص صروره (که اولین بار حج می کند) سرش زخمی باشد و نتواند حلق کند، آیا تقصیر از او مُجزی است؟

جواب : اگر بتواند با ماشین نرم (درجه صفر) سرش را بتراشد، بنا بر احتیاط تقصیر از او مُجزی نیست، حتی مُجزی بودن تقصیر در صورتی که حلق حرجی باشد نیز خالی از اشکال نیست، گرچه اقرب مُجزی بودن است.

سؤال ۲۵۴ : اگر حاجی به عمد ذبح را به تأخیر اندازد، آیا برایش جایز است که پیش از آن حلق کند؟
 جواب : اگر پس از به دست آوردن قربانی در منی باشد، حلق کردن برایش جایز است اما پیش از آن بنا بر احتیاط جایز نیست.

سؤال ۲۵۵ : اگر حاجی بر اثر جهل یا فراموشی خارج از منی حلق کرد و تنها پس از بازگشت به وطنش حکم مسأله را دانست یا به یاد آورد، تکلیفش چیست؟
 جواب : اگر برایش ممکن باشد که موی چیده اش را به منی بفرستد، لازم است که چنین کند وگرنه بر او چیزی نیست.

احکام طواف النساء

سؤال ۲۵۶ : اگر شخصی بر اثر جهل یا فراموشی در عمره مفرده طواف النساء را قبل از تقصیر به جای آورد، تکلیفش چیست؟

جواب : بنا بر احتیاط واجب پس از تقصیر، طواف و دو رکعت نماز آن را دوباره به جای آورد.

سؤال ۲۵۷ : اگر پس از طواف النساء تقصیر کرد و سپس متوجه خطای خود گشت، حکمش چیست؟
 جواب : احتیاط آن است که طواف و نمازش را دوباره به جای آورد.

سؤال ۲۵۸ : اگر حاجی یا عمره گزار پس از بازگشت از مکه مکرمه در این که طواف النساء را به جای آورده است یا نه شك کرد، تکلیفش چیست؟

جواب : باید برگردد و خودش آن را انجام دهد و اگر بازگشتش ممکن نبود یا بسیار دشوار بود، باید نایب بگیرد و زن بر او حلال نمی شود تا آن که خودش یا نایبش آن را به جای آورد.

سؤال ۲۵۹ : اگر کسی طواف النساء را به جای آورد، بی آن که این عنوان را نیت کند، بلکه همان طور که دیگر حجاج طواف می کردند یا آن گونه که تعلیم دهنده مناسك حج به او فرمان داد، طواف کرد، آیا این کارش مجزی از طواف النساء است؟

جواب : برای نیت کردن این عنوان معتبر نیست، بلکه اگر نیت طوافی که پس از طواف زیارت است بکند مجزی است.

سؤال ۲۶۰ : اگر مردی طواف النساء را به جای نیاورد، آیا بر زنش حرام است که خود را در اختیار شوهر بگذارد؟
 جواب : در فرض سؤال، احتیاط آن است که خود را در اختیارش نگذارد و تمکین نکند.

سؤال ۲۶۱ : کسی که در حج نایب دیگری است آیا طواف النساء را باید برای خودش به جای آورد یا به نیابت از منوب عنه؟

جواب : به نیابت از منوب عنه به جای آورد.

سؤال ۲۶۲ : اگر کسی به نیابت از مستطیعی که شخصاً عاجز از ادای حج بود، حج کرد و طواف النساء را ترك نمود، آیا زن بر منوب عنه حرام می گردد یا بر نایب؟

جواب : بر نایب حرام می شود.

سؤال ۲۶۳ : اگر زن مؤمن باشد و شوهرش از مخالفین و لذا طواف النساء حج را ترك نمود، آیا بر زن واجب است که از آمیزش او خودداری نماید، تا طواف کند؟

جواب : این کار بر او واجب نیست.

سؤال ۲۶۴ : آیا مقدم داشتن طواف النساء برای کسی که می ترسد پس از حج بر اثر شدت ازدحام نتواند آن را به جای آورد، جایز است؟

جواب : جایز است، لیکن پیش از به جای آوردن مناسك منی؛ یعنی رمی، ذبح و حلق یا تقصیر، زن بر او حلال نمی شود.

سؤال ۲۶۵ : حج گزاری از مکه مکرمه بازمی گردد و ازدواج می کند و خداوند چند فرزند به او می دهد، سپس

متوجه می شود که طواف النساء را به جای نیاورده است، در این صورت ازدواجش و فرزندانش چه حکمی دارند؟
 جواب : ازدواجش بنا به نظر ما صحیح است، زیرا آن چه پس از حلق بر حاجی حرام می شود تمتع از زنان است، نه عقد آنان. فرزندانش نیز در هر صورت ملحق به او هستند.

سؤال ۳۶۶ : اگر شخص محرم پس از چهارمین شوط از طواف النساء با زنش همبستر شد، چه کند؟
 جواب : از خداوند آمرزش بخواهد و استغفار کند و طوافش را کامل نماید و کفاره ندارد.

سؤال ۳۶۷ : شخصی پیش از به جا آوردن طواف النساء، با زن خود بازی می کند، حکمش چیست؟
 جواب : اگر منی از او خارج شده باشد، باید شتری کفاره دهد و در صورت ناتوانی از آن گوسفندی کفاره دهد و اگر منی از او خارج نشده باشد، استغفار کند و کفاره ندارد.

سؤال ۳۶۸ : زنی طواف حج و نماز آن را بر دو وقوف مقدم می دارد و پیش از به جای آوردن طواف النساء ناگاه عادت می شود، آیا می تواند کسی را نایب خود سازد تا به جای او طواف کند؟

جواب : نمی تواند چنین کند، بلکه باید طواف النساء را تا پس از پاکی اش و بعد از فراغت از اعمال روز عید به تأخیر اندازد. حال اگر کاروان منتظر پاك شدنش نماند و او نتواند از آن بازماند، برایش جایز است که طواف النساء را ترك نماید و با کاروان خارج شود. در این حال احتیاط آن است که برای طوافش و نماز آن نایب بگیرد.

سؤال ۳۶۹ : شخصی در عمره مفرده طواف النساء را ترك می کند و به یکی از میقات ها می رود تا از آن جا برای عمره تمتع مُحرم شود. حال می پرسد :

اولاً : آیا این کار برایش جایز بوده است، یا نه؟

جواب : خالی از اشکال نیست، گرچه اقرب جایز بودن آن است.

ثانیاً : اگر این کارش جایز نبوده باشد، آیا به صحت احرامش برای عمره تمتع ضرر می زند، یا نه؟

جواب : در صورت اعتقاد به عدم جواز، این حکم وضعی خواهد بود؛ یعنی تا طواف النساء را به جای نیاورد، احرامش صحیح نیست.

ثالثاً : اگر به صحت احرامش ضرر نمی زند، چه وقت باید آن را به جای آورد؟ آیا می تواند آن را تا پس از اعمال عمره تمتع به تأخیر اندازد؟

جواب : تأخیر برایش جایز است.

سؤال ۳۷۰ : اگر شخصی طواف نسا عمره مفرده را به تأخیر انداخت تا آن که اعمال حج را به جای آورد، در این صورت آیا بر او لازم است که دو طواف نسا به جای آورد یا يك طواف برایش کافی است؟

جواب : بنابر احتیاط بر او لازم است که دو طواف به جای آورد.

سؤال ۳۷۱ : کسی که چندبار عمره به جای آورده است و طواف النساء را به جای نیاورده، آیا يك طواف نسا جهت همه آن ها برایش کافی است؟

جواب : بنابر احتیاط کافی نیست، لذا باید به تعداد عمره ها طواف نسا به جای آورد.

سؤال ۳۷۲ : در مناسك فرموده اید : «کسی که عمره مفرده را در ماه های حج به جای بیاورد و تا یوم الترویبه (روز هشتم ذی حجه) در مکه بماند و نیت حج کند، عمره اش، عمره تمتع خواهد بود.» حال اگر چنین کسی قبلاً

طواف نسا را به جای نیاورده باشد، آیا بر او لازم است که آن را به جای آورد؟

جواب : بعید نیست که در این صورت ساقط شود.

سؤال ۳۷۳ : اگر شخصی عمره تمتع را به جای آورد و آن گاه نتوانست اعمال حج را به جای آورد و به شهرش بازگشت، آیا برایش جایز است که پیش از به جای آوردن طواف نسا با زنش همبستر شود؟

جواب : احتیاط در ترك آن است.

سؤال ۳۷۴ : آیا احرام برای عمره مفرده قبل از به جای آوردن طواف نسا در حج جایز است؟

جواب : بعید نیست جایز باشد، گرچه جای احتیاط دارد.

احکام میبت در منی

- سؤال ۲۷۵ : آیا ماندن تمام شب در منی واجب است، یا خارج شدن از آن در بخشی از شب جایز است؟
 جواب : حاجی مخیر است که از اول شب تا نیمه آن یا از نزدیکی های نیمه شب تا سپیده دم در آن جا بماند.
 سؤال ۲۷۶ : اگر حاجی قصد میبت (ماندن شبانه) در منی کرد، سپس بر اثر ضرورت ناچار شد آن جا را ترک و میبت را رها کند، آیا کفاره دارد؟
 جواب : آری، بنا بر احتیاط باید گوسفندی کفاره دهد.
 سؤال ۲۷۷ : روز دوازدهم ذی حجه در منی به شدت ازدحام می شود، چه برای رمی و چه برای کوچ از آن پس از زوال، حال تکلیف افراد ناتوان، بیماران و زنان نسبت به رمی و کوچ بعدازظهر روز دوازدهم چیست؟
 جواب : اگر بر اثر شدت ازدحام این کسان خودشان نتوانند رمی کنند، می توانند برای آن نایب بگیرند و اگر ازدحام مانع کوچشان پس از زوال روز دوازدهم شود، در صورتی که می توانند بدون سختی و حرج آن شب را در منی بمانند، باید چنین کنند وگرنه برایشان جایز است که پیش از زوال از آن جا کوچ کنند.
 سؤال ۲۷۸ : میبت نیمه اول شب در منی افضل است یا نیمه دوم آن؟
 جواب : افضلیتی برای هیچ يك ثابت نشده است، البته احتیاط در میبت نیمه اول است.
 سؤال ۲۷۹ : کسی که برای میبت در منی می خواهد بدان جا برگردد، اما شدت ازدحام مانعش می شود، تکلیفش چیست؟
 جواب : اگر از مکه خارج شده باشد، کفاره ندارد و اگر در آن جا شب را مانده باشد، بنا بر احتیاط باید گوسفندی کفاره دهد.
 سؤال ۲۸۰ : مردی شب را در منی بدون نیت میبت، می ماند، زیرا معتقد است که این کار واجب نیست و تنها از آن جهت مانده است تا بتواند اول روز به راحتی رمی کند، آیا کفاره ای بر او لازم می آید؟
 جواب : ظاهراً بدین سبب کفاره ثابت نمی شود.
 سؤال ۲۸۱ : اگر حاجی جمرات سه گانه را صبح روز دوازدهم رمی کرد، آیا برایش جایز است که به منزلش در مکه بازگردد و سپس پیش از زوال به منی برگردد، تا پس از زوال از آن جا کوچ کند؟ یا آن که کوچ از منی جز پس از زوال جایز نیست؟
 جواب : اگر در مکه چیزی به جای گذاشته باشد که مستلزم بازگشتش است، مانند آن که وسائل خود را آن جا گذاشته باشد، خارج شدن برایش جایز است وگرنه بنا بر احتیاط جایز نیست، گرچه قصد بازگشت را نداشته باشد. به هر تقدیر واجب نیست که بازگشتش به منی پیش از زوال باشد، بلکه جایز است پس از آن به منی بازگردد تا قبل از غروب همان روز یا روز سیزدهم از آن جا کوچ کند.
 سؤال ۲۸۲ : اگر حاجی اول صبح روز دوازدهم جمرات سه گانه را رمی کرد و سپس به مکه بازگشت، آیا بر او واجب است که قبل از زوال به منی بازگردد؟
 جواب : اگر حاجی بعد از رمی و قبل از زوال از منی خارج شد و در آن چیزی به جای گذاشت که مستلزم بازگشتش بود، مانند آن که وسائل خود را جای گذاشته بود، بر او لازم است که بدان جا برگردد. حتی بنا بر احتیاط باید بدان جا برگردد، اگرچه چیزی که مستلزم بازگشتش باشد، در آن نداشته باشد و بنا بر اظهر خروج در صورت اول و جایز است و در صورت دوم احتیاط واجب ترك آن است.
 به هر تقدیر واجب نیست که بازگشتش به منی قبل از زوال باشد، بلکه جایز است که پس از آن نیز برگردد، زیرا معیار آن است که نَفَر (کوچ از منی) قبل از زوال نباشد. لذا جایز است که پس از زوال بازگردد. تا قبل از غروب همان روز یا پس از رمی در صبح روز سیزدهم از آن کوچ کند.
 سؤال ۲۸۳ : در مناسك فرموده اید که از مکه برای بازگشتن به منی خارج می شود و از عقبه مدنی ها می گذرد، برایش جایز است که قبل از رسیدن به منی در راه بخواهد. حال اگر حاجی ساکن منطقه عزیزیه یا شیشه -

که هر دو پس از عقبه مدنی ها واقع شده است - بود، آیا برایش جایز است که چون از بخش قدیمی مکه خارج شد به اختیار خود در منزل بخواهد و به منی نرود؟
جواب : این کار برایش جایز نیست.

سؤال ۲۸۴ : کسی که رمی در شب دوازدهم برایش جایز است، مانند زن، کودک و شخص ناتوان، اگر رمی کرد و به مکه بازگشت، آیا بر او واجب است که تا پیش از ظهر روز دوازدهم به منی بازگردد تا بعدازظهر از آن کوچ کند؟
جواب : این سؤال مبنی بر جواز رمی جمرات سه گانه در شب برای کسی است که بر اثر شدت ازدحام بر جان خود ترسان است، مانند زن، کودک و شخص ناتوان، لیکن نظر ما آن است که جواز رمی در شب - جز رمی جمره عقبه در شب عید - مختص کسی است که در روز حتی به مقدار رمی کردن نیز نمی تواند توقف کند، مانند کسی که می ترسد و چوپان و بنده، اما زنان و کودکان و افراد ناتوان و مانند آن ها که بر اثر شدت ازدحام و جز آن نمی توانند در روز رمی کنند، برای این کار باید نایب بگیرند، گرچه احتیاط اولی آن است که میان آن دو جمع کنند و هم شبانه رمی کنند و هم برای رمی در روز نایب بگیرند.
بنابر قول اول، برای کسی که در شب دوازدهم رمی کرده و می تواند روز نیز در منی بماند - نه مانند کسی که می ترسد و بنده و چوپان - جایز نیست که پس از رمی کوچ کند و اگر از منی به سوی مکه برای طواف و یا کار دیگری خارج شد، بر او واجب است به آن جا بازگردد تا پس از زوال روز دوازدهم و یا بعد از رمی در صبح روز سیزدهم - به شرحی که در جواب سؤال ۲۸۲ گذشت - از آن جا کوچ کند.

احکام رمی جمرات سه گانه

سؤال ۲۸۵ : آیا رمی جمرات از طبقه بالای کافی است؟
جواب : احتیاط در رمی جمرات، رمی مقداری است که در دوران پیامبر و ائمه (علیهم السلام) موجود بوده و امروزه به دلیل ارتفاع قاعده زمینی اش از زمین بالاتر است. حال اگر حاجی نتوانست این مقدار را رمی کند، احتیاط واجب آن است که هم برای رمی خود نایب بگیرد و هم خودش آن مقدار زاید را رمی کند.
سؤال ۲۸۶ : فرموده اید : احتیاط در رمی جمرات، رمی مقداری است که در دوران پیامبر و ائمه (علیهم السلام) موجود بوده است. چه خوب بود لطف می کردید و طول و عرض این مقدار را معین می کردید.
جواب : از نظر عرفی ظاهراً افزایش در آن صورت نگرفته است و اما از نظر طول، بعید نیست رمی مقداری که بر قاعده زمینی اش قرار دارد و از زمین بالا آمده و به اندازه قامت يك انسان معمولی و بلکه کمی بیشتر از آن است، مُجْزِی باشد.

سؤال ۲۸۷ : آیا برای زن، بیمار و مانند آن ها جایز است که شب یازدهم و دوازدهم، رمی جمرات کنند؟
جواب : جواز رمی شبانه - به جز رمی جمره عقبه در شب عید - مختص کسانی است که از توقف در روز حتی به مقدار رمی کردن معذور باشند، مانند شخصی که می ترسد، چوپان و بنده، اما زنان، افراد ناتوان و کودکان و مانند آن ها که به دلیل شدت ازدحام نمی توانند در روز رمی کنند، بر آنان لازم است که برای آن نایب بگیرند، گرچه احتیاط اولی آن است که هم خودشان شبانه رمی کنند و هم برای رمی در روز نایب بگیرند.

سؤال ۲۸۸ : هنگام رمی جمرات سه گانه، سزاوار است که حاجی چگونه بایستد؟
جواب : هنگام رمی جمره عقبه مستحب است که رو به آن و پشت به قبله و در فاصله ده تا پانزده ذراعی آن بایستد. اما برای رمی جمره اولی و وسطی سزاوار است که رو به قبله بایستد.
سؤال ۲۸۹ : اگر به رمی جمره عقبه در روز عید و رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم، خللی وارد شود و لازم شود که آن را روز دوازدهم قضا کنند، دو سؤال پیش می آید :

الف : آیا واجب است که قضا را بر ادا مقدم دارند؟

جواب : آری، بنابر احتیاط واجب، باید آن را مقدم دارند.

ب : آیا واجب است که میان قضا و ادا فاصله اندازند؟ مقدار آن چقدر است؟

جواب : آری، بنا بر احتیاط واجب باید میان آن دو فاصله انداخت و برای این کار، مقداری از وقت را فاصله انداختن کافی است.

سؤال ۳۹۰ : اگر حج گزار برای رمی جمرات نیز از سوی دیگری نایب شد و خواست هم برای خودش رمی جمرات کند و هم به نیابت از او، آیا بر او لازم است که نخست جمرات سه گانه را برای خودش رمی کند و چون همه را به پایان رساند بازگردد و به نیابت از دیگری رمی کند، یا آن که برایش جایز است که جمره اولی را نخست برای خودش و سپس به نیابت از دیگری رمی کند و پس از آن نزد جمره دوم و جمره کبریا برود و به همین ترتیب عمل کند؟

جواب : انتخاب شیوه دوم نیز برایش جایز است.

سؤال ۳۹۱ : وظیفه زن برای رمی جمرات در حالات زیر چیست :

- ۱- اگر ازدحام شدید باشد به حدی که نتواند خودش رمی کند، اما احتمال دهد که پس از آن، خلوت شود؟
جواب : در این صورت جایز است که نایب بگیرد، اما اگر پس از خودش توانست رمی کند، باید چنین کند.
 - ۲- اگر بداند که شدت ازدحام به زودی کم می شود و می تواند خودش رمی کند؟
جواب : در این صورت جای نایب گرفتن نیست و باید صبر نماید تا بتواند خودش رمی کند.
 - ۳- اگر به سوی محل رمی رفت و شدت ازدحام را دید و از این که بتواند تا آخر وقت هم رمی کند، نومید شد؟
جواب : بر او لازم است که برای این کار دیگری را نایب بگیرد.
 - ۴- اگر نایب گرفت و در طول روز از برطرف شدن ازدحام باخبر شد.
جواب : به محل رمی بازگردد و خودش رمی کند.
 - ۵- اگر شبانه رمی کرد و سپس ازدحام در روز برطرف شد؟
جواب : این سؤال مبنی بر جواز رمی شبانه برای زن و دیگرانی است که از ازدحام روزانه می ترسند، لیکن از نظر ما جایز نیست.
 - ۶- اگر می توانست خودش رمی کند، اما بر اثر جهل به حکم، برای رمی نایب گرفت؟
جواب : در صورتی که وقت باشد باید آن را اعاده کند و اگر وقت گذشته باشد، باید قضای آن را به جای آورد.
 - ۷- اگر می توانست خودش رمی کند، اما بر اثر جهل به موضوع نایب گرفت؟
جواب : مشمول جواب قبلی است.
 - ۸- در حالانی که قضا بر او واجب است، آیا برایش جایز است که قضای رمی را شبانه به جای آورد؟
جواب : نه، بلکه بر او لازم است که در روز قضا کند.
- سؤال ۳۹۲ : اگر بر حاجی در روز دوازدهم قضای رمی جمره عقبه برای روز دهم و رمی جمرات سه گانه برای روز یازدهم واجب شد، آیا برایش جایز است که دو جمره اولی و دوم را به عنوان قضای روز یازدهم و ادای روز دوازدهم رمی کند و سپس جمره عقبه را به عنوان قضای روز دهم و یازدهم و ادای روز دوازدهم رمی نماید؟ یا بر او لازم است که جمره عقبه را به عنوان قضای روز دهم رمی کند و آن گاه يك بار جمرات سه گانه را به عنوان قضای روز یازدهم رمی کند و سپس يك بار دیگر به عنوان ادای روز دوازدهم رمی نماید؟
- جواب : نخست جمره عقبه را به عنوان قضای روز دهم رمی کند. سپس در مورد رمی جمرات سه گانه به عنوان قضای روز یازدهم و ادای روز دوازدهم، یکی از دو راه زیر را می تواند پیش بگیرد :
- ۱- نخست جمرات سه گانه را یکجا برای روز یازدهم و سپس برای ادای روز دوازدهم رمی کند و میان ادا و قضا اندکی فاصله زمانی به مقداری قرار دهد.
 - ۲- هر جمره را دوبار رمی کند : نخست آن را به عنوان قضای روز یازدهم و سپس به عنوان ادای روز دوازدهم رمی کند و میان این دو رمی نیز اندکی فاصله بیندازد.

احکام طهاره و نماز در حرمین شریفین

سؤال ۳۹۳ : آیا نماز شخص امامی اگر با اقتدای به یکی از اهل سنت بوده باشد در دو صورت زیر صحیح است :
الف : این کار بر اثر تقیه باشد؟

ب : این کار برای حفظ برخی مصالح عمومی مانند الفت گرفتن برای حفظ وحدت اسلامی باشد؟

جواب : نماز خواندن پشت سر آنان جایز است، لیکن مأموم اگر بتواند باید با صدای آهسته برای خودش قرائت کند و اگر نتوانست در دلش بخواند. اگر هم تقیه اقتضا کرد می تواند تکتف کند (دو دستش را بر هم بگذارد) همچنین در صورتی که جایی که هست چیزی که سجده بر آن جایز است نباشد جایز است بر فرش و مانند آن سجده کند و اگر باشد مانند زمین یا حصیر باید بر آن سجده کند.

سؤال ۳۹۴ : اگر اقتدا به آنان در نماز جمعه بود، آیا واجب است که پس از آن نماز ظهر به جای آورده شود؟
جواب : آری، واجب است.

سؤال ۳۹۵ : حکم نماز پشت سرشان اگر آن را پیش از دخول وقت به جای آورند، چیست؟
جواب : در این صورت مجزی نیست و نباید به آن اکتفا کنند.

سؤال ۳۹۶ : در نمازهایی که در مکه مکرمه و مدینه منوره برپا می شود رسم است که امام جماعت پس از رکعت دوم در نماز صبح و پس از رکعت سوم در نماز مغرب قنوت می خواند و بعد از هر فقره از دعایی که در قنوتش می خواند مأمومین آمین می گویند. آیا برای مؤمنانی که در این نماز جماعت ها شرکت می کنند جایز است همراه دیگر مأمومین آمین بگویند؟

جواب : آمین گفتن مبطل نماز - به شرحی که در رساله آمده است - آن است که پس از قرائت سوره حمد باشد، اما در جاهای دیگر نماز اگر بدان قصد دعا داشته باشند اشکالی ندارد. البته، اگر مأموم به تبعیت از دیگری آمین گفت و به معنای آن جاهل بود، از آمین های باطل کننده نمازش خواهد بود.

سؤال ۳۹۷ : در نمازهای جماعتی که در مسجدالحرام و مسجد نبوی برگزار می شود، برخی از مردم به طبقه بالا می روند و از آن جا به امام جماعت اقتدا می کنند، با این که به دلیل بلندی دیوارها نه امام را می بینند و نه چیزی از صف های جماعت را. آیا برای شخص امامی جایز است که به این گروه در طبقه دوم بپیوندند؟

جواب : جایز است، لیکن در نمازش آن چه را در باب نماز پشت سر غیرامامی مراعاتش لازم است، رعایت کند.

سؤال ۳۹۸ : آیا سجده بر سنگ های کف مسجدالحرام جایز است نظر به این که به دلیل برگرداندن حرارت و اثر نگرفتن از خورشید، با سنگ های دیگر متفاوت است و می گویند که سنگ مصنوعی است و طبیعی نیست؟
جواب : مصنوعی بودن این سنگ - در صورتی که مواد تشکیل دهنده اش از آنچه که سجده بر آن صحیح است باشد و یا آن مواد دیگر در آن مستهلك شده باشد - مانع از سجده بر آن نیست. این در مورد حالت غیر تقیه است ولی در حالت تقیه سجده بر آن جایز است اگرچه از چیزی ساخته شده باشد که سجده بر آن جایز نیست.

سؤال ۳۹۹ : آیا سجده بر فرش های مسجد نبوی جایز است، یا نه؟

جواب : اگر تقیه اقتضای آن را داشته باشد، جایز است و واجب نیست برای رهایی از سجده بر فرش، به جای دیگری بروند، همچنین تأخیر انداختن نماز تا زوال به سبب تقیه واجب نیست.

سؤال ۴۰۰ : آیا احتیاط حضرت عالی در مورد صحیح نبودن نماز زن و مردی که در حال نماز محاذی یکدیگر بوده باشند یا زن جلوتر از مرد باشد، در مسجدالحرام نیز جاری است؟

جواب : در مکه مکرمه به هنگام ازدحام جاری نیست و بنابر اظهر در آن جا تقدم و تأخر جایز است.

سؤال ۴۰۱ : اگر مردی به نماز ایستاد و بعد زنی آمد و محاذی او و یا جلوتر از او به نماز مشغول شد، آیا با این کار تنها نماز زن باطل می شود، یا نماز مردم هم باطل می گردد؟ اگر حکم عکس این مسأله چیست؟

جواب : بنابر احتیاط هر دو نماز باطل می شوند. زیرا به نظر ما مانعیت محاذات یا جلوتر ایستادن زن، اختصاص به آن که نماز را بعداً شروع کرده است ندارد و هر دو را شامل می شود.

سؤال ۴۰۲ : آیا نماز جماعت با دایره زن پیرامون کعبه مشرفه صحیح است؟

جواب : نماز کسی که در موقفش بر امام مقدم شده باشد، اشکال پیدا می کند، لیکن برای مؤمنان شرکت در این نمازهای جماعت دایره ای که امروزه در مسجدالحرام برپا می شود، با رعایت شروط معتبر در مورد نماز پشت سر شخص غیرامامی جایز است.

سؤال ۴۰۳ : این که می گویند نماز در حجر اسماعیل جایز نیست، صحیح است؟

جواب : این گفته اساسی ندارد.

سؤال ۴۰۴ : آیا مخیر بودن بین شکستن نماز یا تمام خواندن آن برای مسافر اختصاص به بخش های قدیمی مکه مکرمه و مدینه منوره دارد، یا شامل توسعه ها و افزایش های جدید نیز می شود؟
جواب : شامل افزایش های جدید نیز می شود.

سؤال ۴۰۵ : اگر راننده اتوبوس به مسافر فرصت کافی برای خواندن خارج از اتوبوس ندهد، آیا مسافر جایز است که نماز واجبش را در حالی که در اتوبوس بر جای خود نشسته است به جای آورد؟
جواب : آری، لیکن خواندن نماز در حالت ایستاده بر آن مقدم است. در هر دو صورت اگر ممکن گردد باید در همه حالات نماز رو به قبله باشد والا در صورت تمکن در حالت تکبیرة الاحرام رو به قبله باشد وگرنه شرط رو به قبله بودن ساقط می شود. همچنین اگر بتواند رکوع و سجود اختیاری به جای آورد - مانند آن که از راهرو میان اتوبوس استفاده کند - واجب است که چنین کند و اگر نتوانست آن ها را به جای آورد، در صورتی که می تواند به مقداری که عنوان رکوع و سجود صدق کند خم شود، باید چنین کند. در سجود نیز گذاشتن پیشانی بر سجده گاه را رعایت کند، گرچه با بالا آوردن سجده گاه باشد و اگر به این مقدار نیز نتوانست خم شود، بدل از آن ها اشاره کند.

سؤال ۴۰۶ : اگر مسافر نیت اقامت ده روزه در مکه کرد و پس از گذشت ده روز به عرفات و از آن جا به مشعر و سپس به منی رفت و سپس به مکه بازگشت، حکم نمازش در عرفات و مشعر و منی از جهت شکسته یا تمام بودن، چیست؟

جواب : اگر مسافت از انتهای مکه فعلی تا عرفات و سپس مشعر و سپس منی و بالعکس چهل و چهار کیلومتر یا بیشتر باشد، نمازش را در این جاها شکسته بخواند و اگر کمتر از این مقدار باشد تمام بخواند. البته، در صورت دوم اگر قصد سفر از عرفات داشته باشد و بازگشتش به مکه نه از آن جهت که محل اقامتش است باشد، بلکه از جهت وقوعش در مسیر او باشد، حکمش شکسته خواندن نماز در مشعر و منی است. اما در مکه مخیر است که شکسته یا تمام بخواند، زیرا از جمله جاهایی است که مسافر می تواند در آن نماز را شکسته یا تمام بخواند.
سؤال ۴۰۷ : اگر مسافر در فرض سؤال قبلی پس از نیت اقامت ده روزه در مکه و خواندن يك نماز چهار رکعتی در آن به نیت اقامت، بر اثر مانعی نتوانست همه ده روز را در مکه بماند و ناچار شد قبل از پایان آن به عرفات برود، حکمش چیست؟

جواب : مشمول حکم مسأله قبل است.

سؤال ۴۰۸ : در فرض سؤال قبلی اگر مسافر روز عید به مکه بازگشت، سپس از آن جا برای میبت به منی رفت، یا آن که روز دوازدهم به مکه بازگشت، بی آن که نیت اقامت ده روزه در آن کند، حکم نمازش در منی و مکه چیست؟ آیا نمازش شکسته است یا تمام؟

جواب : اگر مسافت از انتهای مکه فعلی تا عرفات و آن گاه مزدلفه و سپس منی و بالعکس چهل و چهار کیلومتر یا بیشتر باشد، نمازش را در مکه و منی شکسته بخواند - همان طور که در عرفات و مزدلفه شکسته می خواند - البته، جایز است که در مکه نمازش را تمام بخواند، زیرا از جاهایی است که شخص در آن میان قصر و تمام مخیر است. اما اگر این مسافت کمتر از مقدار مذکور باشد، وظیفه اش آن است که در همه جا نمازش را تمام بخواند، جز در موردی که در جواب سؤال ۴۰۶ گذشت.

سؤال ۴۰۹ : اخباری که در فضیلت نماز در مسجدالحرام و مسجد نبوی رسیده است، آیا شامل گسترش ها و

افزایش های جدید این دو مسجد نیز می شود؟ همچنین سایر احکام مترتب بر آن ها را دربر می گیرد؟

جواب : آری، اگر این افزایش ها، گسترش ها مسجد - نه اضافه یا پیوست آن ها - به شمار آید.

سؤال ۴۱۰ : مسؤولان کاروان های حج و راهنمای حجاج که هر ساله کارشان این است، آیا نمازشان شکسته است، یا تمام؟

جواب : اگر کارشان کوتاه مدت باشد، مانند سه هفته، وظیفه شان نماز قصر است و اگر بلندمدت مثلاً سه ماهه باشد، وظیفه شان نماز تمام است و در موارد اشتباه و شک در این که کنیرالسفر هستند یا نه، احتیاط آن است که میان قصر و تمام جمع کنند و نمازشان را هم شکسته بخوانند و هم تمام.

سؤال ۴۱۱ : آیا وضو گرفتن با آبی که بهوسیله آب سردکن در مکه و مدینه برای نوشیدن اختصاص داده شده است، جایز است؟

جواب : اگر مختص نوشیدن باشد، وضو گرفتن با آن جایز نیست.

سؤال ۴۱۲ : حکم کسی که قبلاً بر اثر جهل به حکم با آن وضو گرفته است، چیست؟

جواب : بنابر اظهار وضویش صحیح است.

سؤال ۴۱۳ : آیا وضو گرفتن با آب های موجود در ساختمان ها و مؤسسات دولتی دولت های اسلامی، جایز است؟

جواب : آری، مادام که غصبی بودن آن معلوم نشود، جایز است.

سؤال ۴۱۴ : هرگاه قسمتی از مسجدالحرام نجس شود، مسؤولین عین نجاست را برطرف می کنند و سپس با پارچه های آغشته به آب و مواد پاک کننده، محل آن را پاک می کنند و معلوم است که این کار برای طاهر کردن محل کفایت نمی کند. سپس رطوبت باقی مانده بر اثر رفت و آمد مردم و پا گذاشتن بر آن به جاهای دیگر مسجد سرایت می کند و در نتیجه علم عادی به نجس شدن بیشتر جاهای مسجد حاصل می شود، آیا در این حال سجده بر کف مسجدالحرام در حال اختیار جایز است، یا فقط در حال تقیه جایز است؟ همچنین حکم طواف کننده اگر به بدنش در مطاف رطوبتی مسری اصابت کرد، آیا طوافش صحیح است، یا آن که لازم است آن را اعاده کند؟

جواب : حصول علم به نجس شدن بیشتر قسمت های مسجد - که در سؤال آمده است - نادر است و سزاوار نیست که به ظن به نجاست - چه برسد به احتمال آن - اعتقاد شود.

مسائل متفرقه

سؤال ۴۱۵ : آیا مقصود از «احتیاط اولی» هر جا در مناسك آمده باشد، احتیاط مستحب است؟

جواب : آری.

سؤال ۴۱۶ : کسی که پاره ای از پوشش کعبه مشرفه را برداشته است، آیا بر او لازم است که آن را برگرداند؟ آن را به چه کسی برگرداند؟

جواب : اگر مسؤولین امور کعبه معظمه آن را به او داده باشند، برایش که از آن استفاده کند، به این که آن بفروشد، هدیه دهد، جانمازش کند و یا جلد قرآنش قرار دهد و مانند آن. اما اگر مخفیانه آن را برداشته باشد، احتیاط واجب آن است که مسؤولین آن جا را از این مسأله باخبر کند.

سؤال ۴۱۷ : آیا يك نفر می تواند به وکالت از دو نفر، طرف خرید و فروش در بیع شود؟

جواب : اشکالی ندارد.

سؤال ۴۱۸ : آیا در صحت وکالت شرط است که شخص وکیل نزد موکل معلوم باشد؟

جواب : شناخت او شرط نیست، البته لازم است که وکیل در واقع معین باشد، مانند آن که زید خواستار وکیلی می شود و طبق خواسته اش شخص معینی را - گرچه زید او را نشناسد - وکیل می سازند. اما وکالت دادن به یکی از دو شخص به نحو تردید و نامعین صحیح نیست.

سؤال ۴۱۹ : آیا وکالت دادن به مؤسسات صحیح است؟

جواب : اگر این وکالت به توکیل معنون به عنوان خاص مثلاً رئیس مؤسسه باشد در صورت قبولش، اشکالی ندارد. گرچه آن که دارای این عنوان است گاه به گاه عوض شود و همچنین هر عنوان دیگری در مؤسسه از این قبیل، جایز است. اما وکالت دادن به مؤسسه به عنوان خودش صحیح نیست.

Copyright © 2002 - 2008 [The Official Website of Ayatollah Sistani](http://www.sistani.org). All Rights Reserved.